

در کنفرانس برلین چه گذشت؟

مجموعه‌ای از:

استناد، اطلاعیه‌ها، گزارشات، سخنرانی‌ها و ...

انتشارات سبله - هامبورگ
۲۰۰۰ - آوریل ۱۳۷۹

سخن ناشر

برخورد به کنفرانس پرگزار شده در برلین در روزهای ۷ و ۸ و ۹ آپریل تحت عنوان «ایران بعد از انتخابات، دینامیسم رiform در ایران» با توجه به انکاس و سیع آن در میان ایرانیان خارج، مطبوعات فارسی و غیر فارسی و رسانه‌های داخل کشور و نتایج مترقب آن پرگزار کنندگان، شرکت کنندگان و معتبرین به این کنفرانس و احتمالاً بی‌آمدگاهی بعدی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در روزهای پرگزاری کنفرانس، نیروها و افراد گوناگون برخوردهای متفاوت و متشاد به آن نمودند. پاره‌ای از این برخوردها ناشی از جایگاه این نیروها و اشخاص به روند تحولات در ایران ناشی شده و برخی از این موضع‌گیری‌ها ناشی از عدم اطلاع آنها از مجموع فاکتورهای قبل از کنفرانس و عدم حضور در روزهای یاد شده می‌باشد.

برگزاری کنفرانسی با چنین ترکیبی از پرگزار کنندگان و شرکت کنندگان (احزاب دولتی آلمان و وزارت امور خارجه، خانه فرهنگ‌های چهان و بنیاد هاینریش بُل، سفیر جمهوری اسلامی، مدافعان دولت جمهوری اسلامی، روشنگران آزادیخواه و لایک - رجوع شود به استاد) از نمونه‌های منحصر به فرد چه در دوران رژیم ارتجاعی سلطنتی و چه در طول بیست و یک سال رژیم چنایتکار جمهوری اسلامی است. درست از اینروست که انکاس و سیع یافته و برخوردهای متفاوت و متشاد وجود می‌آورد.

کوشش‌ها این است که تا حد امکان غیر مفترضانه زمینه قبلي تشکیل کنفرانس، جریان کنفرانس و موضع‌گیری‌های بعد از پایان آن را با توجه به فاکت‌های مستند توضیح دهیم تا برور این مسائل از یک سو به تحلیل از کنفرانس پردازیم و از سوی دیگر زمینه بحث و بررسی برای سایرین را با توجه به داده‌های موجود فراهم آوریم. در عین حال یاطرف، چرا که مانسبت به مسائل جنبش چپ حساسیم و از این‌رو طبیعی است که در برابر سرنوشت این چپ‌جنبش و مجادلات آن چه درون و چه در برخورد به نیروهای غیر چپ نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم.

مانند توافق نسبت به جنبشی که از زمان انقلاب مشروطیت تا کنون پیشتر مبارزه برای آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی بوده و بیش از همه مورد محسنه‌انترین سرکوب‌ها چه از جانب رژیم سلطنتی و چه در مقیاس بسیار وسیع‌تر از جانب جمهوری اسلامی قرار گرفته بی‌طرف باشیم، وقتی حجۃ‌الاسلام اشکوری یکی از شرکت کنندگان مدعی می‌شود که در ۲۱ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، روحانیون بیش از همه مورد ستم قرار گرفته‌اند و بعنوان نمone از دو زندانی سیاسی، عبدالله نوری و محسن کدیور نام می‌برد، بی‌طرف باشیم. ما در عین حال که برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و از جمله عبدالله نوری و کدیور مبارزه کردی‌ایم، ولی تن این نخواهیم داد که کشته‌دها هزار نفر از نیروهای چپ و مبارزین آزادی‌خواه و دمکرات به دست فراموشی سپرده شود و یا ادعای گردد جنبش اصلح‌طلب مذهبی بیشترین تجاوز و ضربات وحشیانه را تحمل کرده است.

تصویر ما این است که این مجموعه تهاب‌دخلی است برای برخورد به مصالی از این نوع که بدون شک آخرین آن نخواهد بود. از این‌رو به سیم خود به ادامه‌ی این مباحث و روش‌شنیدن جایگاه‌ها و مواضع نیروهای سیاسی یاری خواهیم رساند. در خاتمه لازم به توضیح است که استاد منتشر شده در صفحات بعدی، مستقیماً برای در درج در این مجموعه ارسال نشده‌اند و ما برای مستند کردن این مجموعه از آنها بپره گرفت‌ایم.

«انتشارات سبله»

لیست مدعوبین به کنفرانس برلین طبق اولین اطلاعیه بنیاد هاینریش بُل
با امضای توماس هارتمان به تاریخ ۱۹۹۹/۱۱/۲۹

مهمانان از تهران:

- حجت الاسلام عبدالله نوری (ناشر روزنامه «خرداد»)
- عزت الله سحابی یا ابراهیم اصغرزاده
- چنگیز پیلوان (جامعه شناس، عضو کانون نویسنده‌گان)
- عید کریم سروش (استاد طلسه)
- علیرضا علوی تبار (روزنامه‌نگار «صبح افروز»، جامعه شناس) یا رضا تهرانی
- شبلا شرکت (سردبیر مجله «زنان»)
- مهرانگیز کار (وکیل دادگستری در مقوق زنان) و یا شیرین عبادی یا نسرین مصطفی
- تهمیه میلانی (فیلم‌ساز) و یا رخشان بنی اعتماد
- ماشالله شمس الاعظین (سردبیر «نشاط») یا رضا جلاسی پور
- شبلا لاهیجی (مدیر انتشارات روشنگران)
- افشاری (از مستولین اتحادیه دانشجویان مسلمان) و یا علوی تبار
- ناخدا... و یا نسترن موسوی
- فریبهرز رئیس دانا (استاد جامعه شناسی و علوم اقتصادی دانشگاه تهران)
- رضا باطنی (استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران و عضو کانون نویسنده‌گان)
- حمید رضا جلالی پور (مدیر «نشاط»)
- محمد علی سپاهلو (شاعر و نویسنده)
- شهریار مندنی پور (نویسنده)
- سیمین دانشور (نویسنده)
- علیرزاده و سه نوازنده

شرکت کنندگان از آلمان

- احمد ظاهری (روزنامه‌نگار، فرانکفورتر روندشاو)
- نوید کرمائی (روزنامه‌نگار، فرانکفورتر آلگماهایه)
- کتابخانه اسپرپور (روزنامه‌نگار، زود دویچه تسایتوگ)
- برند فراگنر (Bert Fragner) (استاد ایران‌شناسی) یا نوید کرمائی (یا اریک ...)
- یوهانس رایسنر (Johannes Reissner) (بنیاد علم و سیاست، اسلام شناس)
- محسن صرت (جامعه شناس)

- ریتا گریس هابر (Rita Griebhaber) (MDB، از حزب سیزها)
- رالف فوکس (Ralf Fücks) (RafF Fücks)، (بنیاد هاینریش بُل)
- پتر زوپل (Peter Zöpel) (وزارت امور خارجه، SPD)
- روپرشت پولنس (Ruprecht Polens) (Rupprech Polens) (MDR, CDU)
- احمد عزیزی (سفیر ایران در آلمان).

لیست شرکت گنبدگان در کنفرانس برلین طبق بروشور منتشر شده در کنفرانس

مهمانان از تهران:

- علی افشاری (عضو هیئت اتحادیه دانشجویان مسلمان)
- علیرضا علوی پور (سردییر «صبح امروز»)
- حمید رضا جلایی پور (عضو شورای نویسنده‌گان «عصر آزادگان»، جامعه شناس)
- محمود دولت آبادی (نویسنده، عضو هیات دیران کانون نویسنده‌گان ایران)
- حجۃ الاسلام یوسفی اشکوری (مدیر مرکز انتشارات آثار علی شریعتی)
- اکبر گنجی (روزنامه‌نگار، در «صبح امروز»، «عصر آزادگان»، «فتح»)
- جمیله کدیور (نماینده مجلس ششم، روزنامه‌نگار، مشاور سابق رئیس جمهور خاتمی)
- مهرانگیز کار (وکیل مدافع حقوق زنان)
- کاظم کردوانی (مدیر بخش استیتوی زبان‌های ایرانی، عضو هیات دیران کانون نویسنده‌گان ایران)
- شهلا لاهیجی (مدیر انتشارات «روشنگران»)
- خدیجه حاجی‌دینی مقدم (رئیس جامعه زنان طرفدار محیط زیست)
- چنگیز پیاوان (استاد جامعه شناسی)
- فریبیر رئیس دانا (کارشناس اقتصادی، پژوهشگر «دفتر مطالعات فرهنگی»)
- منیر روانی پور (نویسنده)
- عزت الله سعابی (ناشر «ایران فردا»، نماینده سابق مجلس)
- محمد علی سپانو (شاعر، منتقد ادبی، عضو کانون نویسنده‌گان ایران)
- شپلا شرکت (سردییر مجله اسلامی «زنان»)

همکاران از آلمان:

- کاتیون امیر پور (روزنامه‌نگار - کلن)
- هاینر بیتلشتلت (Heiner Bielefeldt) (کارشناس فرهنگی و دینی - بیلفلد)
- کلاوس براتمان - Klaus J. Bratmann (رئیس اتاق بازرگانی ایران - آلمان - هامبورگ)
- توماس درگر (Tomas Dreger) (استاد ایران‌شناسی - برلین)
- برت فراگنر (Bert Fragner) (استاد ایران‌شناسی - بامبرگ)
- رالف فوکس (Ralf Flücks) (عضو هیات رئیسه بنیاد هاینریش بل - برلین)
- ریتا گریس هابر (Rita Griebhaber) (MdB) (Wolfgang Ischinger) (نماینده وزارت امور خارجه - برلین)
- توید کرمانی (روزنامه‌نگار، فرانکفورت آلمانی، اسلام‌شناس - کلن)
- بهمن نیرمحمد (برلین)
- یوهانس رایسنر (Johannes Reissner) (بنیاد علوم و سیاست، اسلام‌شناس - مونیخ)
- مهدی سردانی (اسلام‌شناس - بوخوم)
- احمد ظاهری (روزنامه‌نگار، فرانکفورتر رونداشو، اسلام‌شناس - فرانکفورت)



کانون نویسندهای ایران «در تبعید»
Iranian Writers' Association (in Exile)

«کنفرانس ایران» در برلین

کانون نویسندهای ایران «در تبعید»، چون پاره‌ای از وجوده کانون نویسندهای ایران در ایران، هم از آنرا پهلوایش خود مستقل از تلت های سیاسی، مستقل از دولت ها و عواملی آن ها، مستقل از احزاب و شکردهای سیاسی عمل کرد، و اساساً بهبادش بر این استقلال استوار است. زیرا کانون بر این پادر است که بالشگی آزادانه‌ی اندیشه را خیال و هنر، هماناً فلز آزادی آن باز هر قید و بند و ترفند سیاسی است و همچ حضر و استثنای شنی تواند این هرچند را محفوظ کند.

کانون نویسندهای ایران «در تبعید»، با تکیه بر این هریت، مطالبت های جنون و چهاری خود را با سیاست برگزاری «کنفرانس ایران» در برلین، که بر خلاف سنت و آنکارا بالس بهباد هاینریش بُل، از سوی این نهاد صورت گرفته و با پایین آوردن ارتقای اندیشه و خیال آن حد ابزار سیاسی آن را تحریر کرد، است، اعلام می‌کند و نمی‌تواند این حقیقت روش را بهباد کند که تحریر اندیشه و خیال و تبدیل آن به ابزار دیلماسی دولت های سوداگر، ور ذات طور تحریر اندیشه و خیال و قلمزنان نیز هست.

هم از این روست که ما، کانون نویسندهای ایران «در تبعید»، پاران و هنگاران از جمله طوف را که به این کنفرانس معموت شدند، به تامیل بیشتر در گارشان فرا می‌ظرایم.

کانون نویسندهای ایران «در تبعید»

پنج آذر ۱۴۰۰

نامه سرگشاده نویسندهان، روزنامه تکاران، روشنفکران و فعالان سیاسی تبعیدی؛ به بنیاد هایپریش بل

۲۰۰۰ / ابریل

بنیاد هایپریش بل

هرگاهی را در راستای گفت و گوی فرهنگ‌ها و ارتفای روابط فرهنگی ملت‌ها، ارج می‌نمهم. از همین روی از اقدام بنیاد هایپریش بل برای برگزاری کنفرانس "ایران پس از انتخابات مجلس" استقبال می‌کنیم، اما در زمان و ترکیب کنفرانس، پیرایه‌هایی را پالانه که نذکار آن ضروری است:

در جمهوری اسلامی بسیاری از گرایش‌های سیاسی و فرهنگی، و بسیاری از اندیشه‌مندان و روشنفکران و فعالان سیاسی و نویسندهان و هنرمندان از معاشرت آزاد و مشارکت در زندگی سیاسی و فرهنگی محروم‌اند. این تبعیض نازرا بر روشنفکران تبعیدی با وسعت و شدت بیشتری اعمال می‌شود. در میان بیش از سه میلیون ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، صدها نویسنده، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه، هنرمند و چهره برجهشت سیاسی در عرصه‌های مختلف فعال‌اند. و حذف آنان جامعیت کنفرانس را خدشه دار می‌کند.

متوجهانه در کنفرانس "ایران پس از انتخابات مجلس" همین رؤایت تبعیض آمیز بر پرشی گرایش‌های مهم داخل کشور و نیز بر نامام نویسندهان و فعالان سیاسی و فرهنگی خارج از کشور اعمال شده است که جمهوری اسلامی می‌کوشد آنان را حذف کند و بدینسان بیکره فرهنگی و سیاسی ایران را مثله کند.

در این کنفرانس آتجه غایب است، نیمه دیگر آن پیکر مثله شده است، و خایبان این کنفرانس از مؤلفه‌های مهم و ملثر ساختار فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی هستند که در بین سرکوب‌های مداوم به ناگزیر راهی تبعید شده‌اند.

بنزدید شما نیز بر این باورید که گفت و گوی فرهنگ‌ها با حذف مازگار نیست، و آنگاه که فرهنگ آزادی به سیاست تبعیض و حذف و تقسیم شهر و ندان به درجه بک و دو آلووده شود، از گوهر و معنای الفی خود نهی خواهد شد.

بنیاد هایپریش بل همان نویسندهان و روشنفکرانی بوده است که امکان بیان آزاد ندادشته‌اند، چنانچه در سال‌های گذشته با دعوت تئی چند از نویسندهان و هنرمندان معتبر ایرانی، از آزادی بیان دفاع کرده است، سنت هایپریش بل در جایگاه حمایت از فرهنگ احتراض است، نه در ابعاد تسهیلات برای مذاکرات دیلماتیک و اهداف سیاسی ساتھ‌داری دولت‌ها.

"ایران برای همه ایرانیان" از شعارهای مهم انتخابات اخیر بود که اکثریت مردم با آرای خود خواستار تعقیل آن بودند. اما دریفایک در کنفرانس "ایران پس از انتخابات مجلس"، صدای نیمه دیگر پیکر فرهنگی سیاسی جامعه ایرانی ناشنیده می‌ماند. آیا این شانه آن نیست که جهانی بودن ارزش‌های حقوق بشر و چند مذاکری بودن فرهنگ در خدمت منابع دیلماتیک نادیده گرفته شده است؟

امیدواریم سیاست حذف که متوجهانه به کنفرانس "ایران پس از انتخابات مجلس" را پالانه است، جبران شود و در کنفرانس‌ها و سبیل‌هایی که در آینده در باره ایران برگزار می‌شود، همه گرایش‌های فرهنگی و سیاسی مطرح جامعه ایرانی داخل و خارج، بی تبعیض و حذف، در کثار هم به گفت و گو و تبادل اندیشه بشنیست، تا برای فروپختن دبورها (خودی و خیر خودی)، داخل و خارج، و...) که بر جامعه ایرانی تحمیل شده و آن را پاره پاره کرده است، گام‌های اساسی برداشته شود. با احترام و درودهای دوستانه

مهدی استعدادی شاد (شاهر و متولد)

جواد اسدیان (شاهر)

ژاله اصفهانی (شاهر)

کورش افشاری‌نیا (ملیمسار)

نادره افشاری (نویسنده)

رضیا اخنومی (نویسنده)

نسرین الماسی (روزنامه نگار و نویسنده)

دکتر مالاوه الله آجودانی (پژوهشگر و نویسنده)

هادی ابراهیمی (روزنامه نگار)

اکرم ابوتی (نقاش)

فرح اردلان (فعال سیاسی)

ابوالفضل اردوان خالی (نویسنده و طنزبردار)

محمد ارسی (پژوهشگر و نویسنده)

مهران ادبی (فعال سیاسی)

صدرالدین الهمی (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 پاپک امیرخسروی (فعال سیاسی و روزنامه‌نگار)
 علی امینی (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 خسرو باقرپور (شاعر و فعال سیاسی)
 داشن باقرپور (روزنامه‌نگار و فعال سیاسی)
 دکتر رضا براهنی (نویسنده، شاعر و متقد)
 دکتر نسرین بصیری (فعال اجتماعی و روزنامه‌نگار)
 دکتر فریدریش بفالی (بزشک)
 بهرام بهرامی (شاعر)
 نیلوفر بیضایی (نویسنده و کارگردان)
 شهرنوش پارس پور (نویسنده و مترجم)
 محمد تاج دولتی (روزنامه‌نگار)
 هایده ترابی (نویسنده و کارگردان)
 دکتر حسن توحیدی (استاد داشگاه)
 دکتر نیره توحدی (استاد داشگاه)
 ملیحه تیره گل (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 دکتر مژده چهره نایاب (فعال سیاسی و بروهشگر)
 متوجه جمالی (پژوهشگر)
 مهدی خانیابا تهرانی (فعال سیاسی و بروهشگر)
 پرویز دستمالچی (پژوهشگر و نویسنده)
 رضا دل قوی (روزنامه‌نگار)
 دکتر آرش دوستدار (استاد فلسفه و بروهشگر)
 اکبر ذوالقرینین (شاعر و ترانه‌سر)
 یدالله رویایی (شاعر)
 حسین زاروسوند (شاعر)
 حسن زده‌ی (روزنامه‌نگار، نویسنده)
 دکتر برسا ساخت (روانشناس)
 اسد میتف (نویسنده و متقد)
 محمد سليمانی (فعال سیاسی)
 دکتر فرامرز سليمانی (بزشک، شاعر و بروهشگر)
 نیاز سليمی (بازیگر تئاتر)
 بهروز سیدمانی (شاعر)
 علی شاکری (پژوهشگر و فعال سیاسی)
 سعید شکوه‌مند (مترجم)
 پرویز شوکت (فعال سیاسی)
 حمید شوکت (پژوهشگر و فعال سیاسی)
 ضیاء صدر (نویسنده)
 محمد صدقی (نقاش و متقد)
 علی اکبر صفائیان (نقاش)
 دکتر یاقوت صمامی (بزشک)
 فرج طاهری (روزنامه‌نگار)
 دکتر مرتضی عبدالمیان (فعال حقوق بشر و نویسنده)

سیرزا آقا سکنگری (شاعر و متقد)
 رضا علامزاده (پیلساز و نویسنده)
 دکتر محمود هنابت (روزنامه‌نگار و نویسنده)
 دکتر کاظم علمداری (استاد داشگاه)
 دکتر نهضت فرنودی (روانشناس)
 فهیمه فرسانی (لویستنده و روزنامه‌نگار)
 دکتر بیژن قدسی (بزشک و مترجم)
 دکتر احمد کریمی حکاک (استاد داشگاه، متقد، مترجم)
 ناهید کشاورز (روزنامه‌نگار)
 دکتر منصور کیان زاد (بزشک)
 رضا گهرزاد (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 سامان قهرمان (نویسنده)
 دکتر عبدالکریم لاہیجی (وکیل دادگستری، دبیس جامعه
 دفاع از حقوق بشر، نایب رئیس FIDH)
 غلام مرادی (فعال سیاسی)
 اسد مدنی (نویسنده و مترجم)
 شهرام محمدی (نویسنده)
 دکتر مرتضی محیط (نویسنده و بروهشگر)
 دکتر احمد مصباح (نویسنده)
 عباس معروفی (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 رضا مقصدی (شاعر)
 استندیار منفردزاده (آهنگساز)
 سیاوش میرزاده (شاعر)
 سهلا میرزا (شاعر)
 غفور میرزا (نویسنده)
 دکتر حبیب میلانی (استاد داشگاه، بروهشگر و نویسنده)
 عبدی نعمتی (شاعر)
 دکتر مسعود نقره کار (بزشک و نویسنده)
 دکتر هلیرضا نوری زاده (نویسنده و روزنامه‌نگار)
 سعید بوسف (شاعر)

اطلاعیه

روند رشد مبارزات مردم برای آزادی و احتجاج حقوق انسانی و اجتماعی، مبارزات کارگران و اتشار زحمتکش جامعه، زنان، روشنگرکاران و جوانان، مژده جدیدی را طی می کند. این مبارزات در گوهر خود نه رژیم جمهوری اسلامی ایران و پیام آفرین نظامی سیاسی و دمکراتیک است. کوشش پشتیبانان بین المللی رژیم جمهوری اسلامی که در انتظار نزصت مناسب برای علتنی کردن روابط سیاسی و اقتصادی خود با رژیم و تعیین و توسعه این روابط برداشته، بر این پایه قرار گرفته است که مبارزه مردم و اعتراضات روزمره علیه رژیم جمهوری اسلامی را برای توجیه جناحی از حکام ایران این رژیم بکار گیرد. مسئولان سیاسی آلمان و دیگر کشورهای «اتحاد اروپا» تا آن جا پیش رفته اند که دستاوردهای مبارزاتی مردم را به حساب حکومت خاتمه می گذارند. اینان حتی مرجوح جامعه را واژگونه کرده و فراموش می کنند که «جمهوری اسلامی» با قانون اساسی و ولایت فقهی اش در گواه و در پراییک روزمره سیاسی و اجتماعی با حقوق پسر، اصول جامعه مدنی و دمکراسی در تضاد کامل است. حیات قدرت های سیاسی اروپا از نوعی «جمهوری اسلامی» که گویا تناظری با دمکراسی ندارد، فقط با هدف حفظ و گسترش منافع سیاسی و اقتصادی این کشورها صورت می گیرد. اینان یکبار در زمان حکومت رفتگانی با هر و جنجالی کم نظری به توجیه جمهوری اسلامی پرداختند و با شکستی مقتضاهان روبرو شدند. غازه بستن به چهاره کریه جمهوری اسلامی اینان با سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

در بحبوه تبلیغات کشورهای اروپائی و طرفداران جنبش موسوم به دوم خرداد، در حالی که هنوز سه سال نیز از صدور حکم دادگاه میکرونوس مبنی بر تحریم دولت ایران و مسئولیت سران رژیم در ترور عناصر اپوزیسیون نگذشته، چند نمایه کوچک می تواند بازگو کننده شرایط واقعی رژیم اسلامی باشد:

- صدھا دانشجو کماکان در زندان های جمهوری اسلامی ایران به جرم آزادی خواهی به بند کشیده شده و شکنجه می شوند؛

- حکم اعدام اکبر محمدی موره تایید قرار گرفته است؛

- تفتیان قتل سلمان رشدی از طرف متأممات دولتی مدام تایید می شود؛

- کارگران هر هفته برای احتجاج حقوق خود اعتضاب می کنند و با تغییرات جدید در قانون کار این اعتراضات رو به گسترش است و وضع زندگی معیشتی اکثیر مردم بحرانی است؛

- سرکوب اقلیت های ملی و مذهبی، کردها، بلوج ها، عرب ها... و سنتی ها و بهائیان و ... ادامه دارد؛

- سرکوب همه جانبه زنان و حجاب اجباری از اصول زیست جمهوری اسلامی است.

و....

در نشست توجیه گرانه ۷۸ آگوست ۲۰۰۰ با برئاسه و دستیر وزارت امور خارجه آلمان در خانه فرهنگ های جهان در برلین، بحث هایی تدارک دیده شده تا شبهه ایجاد یک دیالوگ سیاسی را ایجاد کنند. سیاست خارجی آلمان که هنوز روند مرسوم به گشتریم را طی می کند و از دیالوگ انتقادی معروف زمان دولت رفتگانی آغاز شد و به سفر فیشر- وزیر امور خارجه آلمان- به ایران انجامید، با همه توان هم امروز نیز در پس پاکشونی جمهوری اسلامی ایران است. همانگونه که سفر گشتر، وزیر وقت امور خارجہ آلمان به ایران مصادف با کشته رده ها هزار زندانی سیاسی بود و او سیاست خارجی دولت آلمان، یعنی عقد قراردادهای اقتصادی و فرهنگی را در دستیر کار خود داشت.

اما اپوزیسیون آزادی خواه، مترقبی و چپ ایران با اعتراض به هدف و توجیه نشست های دستیری وزارت امور خارجه آلمان، اعلام می دارد که تغییرات واقعی جامعه تنها از طریق مبارزات و مقاومت مردم جامعه ما ایجاد خواهد شد. ما با صراحت اعلام می کنیم که این مبارزات نه برای انتخاب یک «جمهوری اسلامی» پیش بلکه با هدف نهی جمهوری اسلامی صورت می گیرد. مردم ما «جمهوری اسلامی» نمی خواهند.

اتحاد چپ سوسیالیستی ایران - برلین

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران - برلین

- ۱- رادیو صدای چپ - مالو
- ۲- رادیو آوا - هانوفر
- ۳- رادیو همدا - اسلو (نروژ)
- ۴- تریبونال بین‌المللی و اجد اسکونه (سوئد)
- ۵- انجمن دارکوب - مالو
- ۶- انجمن همیستگی ایرانیان با سرنشی‌ها - استکهلم
- ۷- کانون دفاع از حقوق بشر - برمن
- ۸- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - سوئد
- ۹- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - آلان
- ۱۰- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - پاکستان
- ۱۱- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - هلند
- ۱۲- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - آمریکا
- ۱۳- کانون زندانیان سیاسی ایران (درتبید) - استرالیا
- ۱۴- کبیت مبارزه، با توریسم جمهوری اسلامی ایران - مالو
- ۱۵- کبیت همیستگی با مبارزات مردم ایران - گوتبرگ (سوئد)
- ۱۶- کبیت دفاع از آزادی اندیش، قلم، بیان و اجتماعات در ایران (هاوزنرا)
- ۱۷- فرهنگسرای پاماد - مالو
- ۱۸- فرهنگسرای اندیش - گوتبرگ
- ۱۹- آسیل کبیت، کوه ایران - گوتبرگ
- ۲۰- مرکز اسناد و کتابخانه ایرانیان - گوتبرگ (سوئد)
- ۲۱- فعالیت تریبونال بین‌المللی - گوتبرگ (سوئد)
- ۲۲- شرای همکنگی ایرانیان - هامبورگ
- ۲۳- سازمان نژدان ۸ مارس
- ۲۴- کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (آلن)
- ۲۵- جامعه بین‌المللی حقوق بشر - کمیته ایران
- ۲۶- شرای دموکراتیک سیاسی و فرهنگی ایرانیان گوینکن
- ۲۷- تلاش - کانون حمایت از مبارزات مردم ایران - کلن
- ۲۸- سازمان نژدان ۸ مارس
- ۲۹- ADB دفتر ضدزاپرسنی برلین
- ۳۰- هیئت همکنگی اتحادچپ کارگری
- ۳۱- سازمان اتحاد زندانیان خلق ایران - آلان
- ۳۲- نعلیں هست: انتیت - آلان
- ۳۳- سازمان زندانیان انتیت آلان
- ۳۴- حزب کمونیست ایران تشکیلات خارج کشور
- ۳۵- سازمان کارگران انقلابی ایران (راهه کارکر) تشکیلات خارج از کشور
- ۳۶- اتحاد زندانیان کوئینست
- ۳۷- کانون مستقل سیاسی ایرانیان - لایپزیک
- ۳۸- کمیته تعقیب‌شدگان و زندانیان سیاسی ایران - لایپزیک
- ۳۹- جمعی از زندانیان سیاسی سابق ایران
- ۴۰- کروه تئاتر هسکان
- ۴۱- رادیو صدای زن (ونکور)
- ۴۲- انجمن همچرین و پناهندگان ایرانی - بریتانی (کانادا)
- ۴۳- فعالیت نوین کمونیستی ایران - خارج کشور
- ۴۴- هاداران اتحادیه کمونیست‌های ایران (سریداران)

افراد:

- ۱- مینا اسدی (شاعر) ۲- عباس سماکار ۳- فریدون کیلانی (شاعر) ۴- دکتر مجید مشیدی (محقق) ۵- دکتر زهرا عرفانی (جامعه‌شناس) ۶- سید علی امیر لطیفی (برلین) ۷- امیر معیری (محقق) ۸- محمد یزدانی ۹- ساسان رجبی فام ۱۰- فریبا لجه ۱۱- سیروس ملکوتی ۱۲- منوچهر رادین ۱۳- آرش کیانگیر (لوسینزه مطبوعات کالا)

این اطلاعیه توسط سازمان‌ها و اشخاص فوق پشتیبانی شده است.

اطلاعیه

رئیس جمهوری اسلام ، برای تحمیل تعزیزی شیر واقعی از خود ، با صرف مبالغی هنگفت از کیسه مردم ^۱ و با کمک عمال مزدیگیر ، همچنین به لطف مساعدت های بی دریغ پخشی از جریانات و فعالان پیشین اپوزیسیون در خارج از کشور در حال پیشوای است . کار این کوته ها ، به جانی رسیده است که سیاست بازان به اصطلاح " اصلاح طلب " با دعوت از سفیر جمهوری اسلامی به مجلس سووند ، از نایابند یک رژیم ترویجیست ، برای حل بحران پناهندگان و تبعیدیان و راه " مبارزه با خشونت " ، چار جوش می کنند !

در راستایی به شمر رسیلن این اهداف ، با کمک همین عناصر که رسمآ ایجاد تحول دموکراتیک موظوم در نظام اسلامی را تبلیغ می کنند و مبارزات بی گیر مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به طرفداری از دارو دسته خانم نسبت می دهند ، پیاده هاینریش بل در صدد برپایی سیناری در برلین برای چهره های فعال و سرشناس دارو دسته ای دوم خرد است . پیاده هاینریش بل که قرار بوده است هامن نویسنده کان و شاعران و هنرمندان تحت تعقیب باشد و از مبارزات آزادیخواهانه ای مردم مستعدیده ای به اصطلاح جهان سیم حمایت کند ، امروز با گرفتن دستور از اداره اطلاعات ، وزارت امور خارجه و دفتر صدراعظی آلمان ، سعی در تقویت یکی از بخش های رژیم دارد .

دولت های غربی تلاش می کنند که با کسکی بی دریغ به فرصت طلبان و نرم ثنان ، موضع اپوزیسیون را در یکی از دارو دسته های نژام اسلامی خلاصه کنند و با کمترین چهره ای مخالفان والعنی حکومت ایران ، حضور وسیع آنان را نادیده بگیرند .

در ذهنیتی که رسمآ در آلمان منتشر شده ، قرار است چند نویسنده و شاعر سرشناس بیانند تا درکنار پی خجت اسلام و چند مامور شناخته شده ای اطلاعاتی ثابت کنند که اوضاع در ایران اساساً تغییر کرده است و با تصویر چهره ای دروغین از دارو دسته خانم ، راه را برای شر رئیس جمهوری اسلامی به آلمان ، هموار کنند .

امضا کنندگان این بیانیه ، هرگونه همکاری اهل قلم و فرهنگ را برای سپاه نگه داشتن یک رژیم در حال سقط ، در هر لباسی و بد هر شیوه و بهانه ای که باشد محکوم می کنند و از نیروهای مبارز ، دموکرات و آزادیخواه می خواهند تا در حمایت از این بیانیه و گشرش آن ، دست به اقتدار نمایی بزنند .

اسامی ، به ترتیب تاریخ امضا :

- مینا اسدی - فریدون گیلانی - باقر مرمنی - جابر کلیپی - بصیر نصیبی - ابریج جنتی عطائی -
- مرتضی رضوان - پارس استوار - پروانه بکاه - حسین میینی - حسین دوائی - لیلا قرائی -
- نسرين رنجبر ابرانی - زهرا عرثانی - کامبیز گیلانی - بهرام رحمانی - کامبیز روستا -
- جیله ندانی - مجید مشیدی - هایده در آگاهی - نادر ثانی - پریز صیاد - زیبا کریاسی -
- علی آینه - اسماعیل خوشی - زاله احمدی - علی متفی - نیلوفر بیضانی - جراء ادبیان -
- عباس ساکار - داریوش شیرازی - میارش ساتری - منصور کوشان - حبیب انصحی - ئیلا مساعد -
- سیروس منکری - نعمت میرزا زاده ۱م - آزم ۱ - شهیار دادر - سهرانگیز منتظری : ابیش -

Verein iranischer Flüchtlinge in Berlin e.V.



بیانیه

Tel: (030) 20290463
Fax: (030) 20290436

کنفرانس سه روزه‌ای از طرف بنیاد هایبریش بل با عنوان " ایران بعد از انتخابات پارلمانی ، دینامیسم رفرم در جمهوری اسلامی " بس از ماهها تدارک از ۷ تا ۹ آوریل ۲۰۰۰ در برلن برگزار میشود. برگزاری سیناریوها و کمک به روشنگری کشورهایی که در آن دگراندیشان و ایوزبیون در معرض تعقیقات دولتی قرار دارند همواره از فعالیتهای این بنیاد بوده و در مورد مشخص ایران تاکنون این بنیاد از برخی نویسندهای ایران که تحت پیگرد نیروهای سرکوب در ایران بوده اند حمایت نموده است .

ابن کنفرانس سه روزه اما هدف دیگری دارد : سخنرانان ، دست اندر کاران و برنامه ریزان تقریباً همگی از گرایش مبنی انتخاب شده اند؛ نه اینکه از نظر سیاسی دارای عقیده مشترکی باشند، بلکه در دفاع از دولت خاتمی و جربان " دوم خرد " هم نظر نداشتند. میتوان گفت اکثر دعوت شدگان و سخنرانان خواهان تعاليت در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میباشند و از گسترش رابطه امان با ایران استقبال میکنند. برخی از دعوت شدگان خود سالماً در دستگاههای امنیتی - ایدئولوژیک و مطبوعاتی رژیم تعاليت داشته و در به وجود آوردن جو رعب و وحشت سهیم بوده اند. سیاری از دعوت شدگان هنگامی " فرمیست " و " دمکرات " شدند که خود مورد تقبیب نیروهای سرکوب گرفتند. در نشریات ، ارجانها و سخنرانیهای سیاری از آنها از لغو حکم اعدام ، لغو حجاب اجباری ، جدانی دین از دولت ، آزادی بی دینیا ، حق شیرودی بپایانیها ، لغو قانون قصاص ... حتی کلمه ای دیده نیشود. نکته قابل تأمل دیگر در این کنفرانس حذف هدفمند نیروها و شخصیتی ایوزبیون در تبیید است . پخش غلبی از نیروهای سیاسی مختلف ایوزبیون ، که توانسته اند در سالیانی اخیر از اعدام ، شکنجه و زندان جان سالم بدر بربرند در خارج از کشور تعاليت می کنند. این فعالیتهای سیاسی در تبیید بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایران سیاست داشتند که با عدم حضور فعالیتش عملنا حذف شده است .

ترکیب دعوت شدگان و دست اندر کاران در این کنفرانس نشانگر آن است که این گردهمانی نه برای شناخت مسائل و مشکلات مختلف جامعه ایران بلکه دستاپزی برای دفاع از گرایش معبتدی در رژیم اسلامی و بهبود روابط دولتیهای ایران و انسان است . بس از نفس و حسنه حقوق بشر در بیست سال گذشته ، اعدام هزاران نفر از اعضا ایوزبیون و متوجهیت فعالیت آنها اکنون تلاش گستره و دفعمندی در جریان است تا وجود و حضور ایوزبیون نه یکی از جناحهای درون روزیم محدود و طیف وسیع خارج از آن نادیده گرفته شود. بس از اعلام حکم دادگاه میکنوس در همین شیر و محکومیت همه و هر جان درجه اول سیاسی و مذهبی ایران بعنوان مرآکز حاسوسی و ترویجی نیز حسنه بهادر دای سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و مذهبی ایران بعنوان مرآکز حاسوسی و ترویجی در خارج از کشور ، گسترش و بازاری روابط سیاسی اقتصادی با ایران برای برخی از سیادهای رسمی دولتی و اقتصادی امان مستکلانی بوجود آورده است . رفع این مشکلات از طبق احتمالاً محققون بنیاد هایبریش بل که بنیادی وابسته به حزب سیزها در آلمان میباشد و با کمک هدفمند ایرانیان طرفدار جنبه سیاستی میگردد .
بکنی از تابعیت وابسته جنبه کنفرانسپایانی کمک به تبیید رژیم جمهوری اسلامی ، و کمک به ادامه نفس دسته در حقوق بشر در ایران و تبدیل ایوزبیون و پاوهندگان در خارج از کشور است .
کابون پاوهندگان سیاسی ایرانی - برلن ، آوریل ۲۰۰۰

کنفرانس برلین و حقایق ناگفته پیرامون آن !!

برلین در طی روزهای ۶، ۷ و ۹ آبریل ۲۰۰۰، شاهد برگزاری کنفرانسی است تحت عنوان 'ایران بعد از انتخابات، دنیامیسم اصلاحات در جمهوری اسلامی'.

بنیاد هاینریش بل میزبان رسمی این کنفرانس می باشد، اما ایا به راستی این کنفرانس از سری جلسات سخنواری است که تا کنون در خارج از سوی نهادهای غیر دولتی و با حضور طبیعی گوناگونی از نویسندهای وروشنگرکار داخل کشور برگزار می شده ویا اساساً از نوع دیگری است؟

این کنفرانس که بررسی مسائل سیاسی در دستور کار خود قرار داده، با توجه به برگزارکنندگان، ترکیب سخنواران وجهت گیری نظری انان، قرار است 'متناسبات اینده ایران و المان را بررسی و اثرا تقویت کند'، ازوی دیگر طبق اطلاعیه مورخ ۲۹ نوامبر ۹۹ که از سوی بنیاد هاینریش بل منتشر گشت در ندارک این کنفرانس علاوه بر افرادی چون احمد ظاهری و نوبد کرمائی و... احمد مزیزی سفیر رژیم در المان واقعی Zeebel از وزارت امور خارجه المان نیز دست اندر کار بوده اند. این اطلاعیه به طرز عجیب دیگر جایی دیده نشد و جمع اوری گردید. بدین ترتیب اما هیرانیات پشت پرده این نیایش نیز علی شد.

با پیش از اینان پرسید، در جامعه ای که قانون اسلامی اش بر بایه قدرت مطلقه ولی فقیه وشورای نگهبان (انهم مشتمل از فقهاء) قرار دارد، قانون اساسی ای که بر اصل نسلیابی دو جنس استوار بوده و حدف زن بعنوان فرد سیاسی، حقوقی و اخلاقی مضمون آن است، در آن شکنجه، اعدام، بورتی مذهب اسلام، بسی حقوقی کودکان، خشونت بروزان... به عنوان امور الهی تقدیر می شود و بطبق قانون مجازات اسلامی اش هر روزه سنگار، قطع اعضا بدن، ازدواج دختران خردسال، حجاب اجباری، سرکوب و اعلمam همجنگ رایان و صدها مصالح دیگر جزئی از زندگی تلح روزمره مردم این سرزمین شده، رفرم و 'دمکراتیزه کردن' چه معنایی دارد؟

خاتمی خود کالبدیانی تائید شده ولاست قفیه و شورای نگهبانش می باشد، و بارها وفاداریش به قانون اساسی و ولاست قفیه را اعلام کرده و در سرکوب خونین داشجویان بعنوان رئیس شورای امنیت ملی، وفاداریش را به نظام و پایداریش در سرکوب هر حرکتی که موجودیت این نظام را به خطر اندازد نشان داد.

در دوران ریاست جمهوری وی تاکنون به ادعای تشریفات خودشان (که مانور دولتی انان را نیز از تیغ خود در امان نمی گذارد !!) وضعیت اقتصادی و خیم تر، بیش از ۳۰ نفر سنگار شدند و قوانین ضد زنی چون 'منع استفاده ابزاری از زنان' و ' جدا سازی جنسی در مراکز درمانی' و 'جادار اجباری بعنوان حجاب پرسر برای داشجویان زن...' و ... با رای نمایندگان جناح باصطلاح 'اصلاح طلب' تصویب گشتند. در دوران حکومت او مردم وعده و عبد شندند و احساد خونین و باره باره بازگشتن گفتاری که جرم‌شان دفاع از ' تمام آزادی ' بود در خیابان ها یافت شد. اما با این تفاوت که در دوران وی 'کیمیون های تحقیق' 'شکل گرفت و قاتلین' واجی خور ' شدند، در دوران خاتمی معموله ابتکار مثار رئیس جمهور در امور محیط زیست شد تا اوین سخنواری اش به زنان حمله کند که 'شما خاتم ها در الودگی محیط زیست با مصرف بیش از حد مواد پاک کننده نشی عده ای دارید' و در سراسر جهان در بوق و کربناهارند که زنان ایرانی نیز صاحب ' منصب ' شدند!

بزدی، سحلی و ... نیز که تاکنون حتی از صافی های اینان برای کالبدیاتوری عبور نکرده اند، اما از افکار لطف و قدردانی به افای خاتمی و دولتش کوتاهی نکرده و جمیعان بdest در ایران و کشورهای دیگر در مدد دولت ملی - مذهبی 'داد سخن داده و سهم بیشتر خود را در حکومت طلب می کنند، گویی ۲۱ سال گذشته خوابی خوش بوده که پاید 'پایید' از ' دیده نیزد' !

ما مقندهیم، مجموعه سخنواران این سینما، چه بخواهند چه نخواهند، در مقام دفاع و کمک به زیمی به میدان امده اند و راهی سفرند، که خود ضرورتاً 'رفتند' است، و خانمی مخصوص جنین ضرورتی است. اینان با شرکت در این کنفرانس به حمام از سیاست دولت المان پرداخته و همچنین به سلالت زریم برای سایه اند تا خسین بر جنبات خود چه در داخل (اعدام دهها هزارون و مرد و ...) و چه در خارج (بورهای متعدد و از جمله میکونوس) و ازان جهره ای انسانی و ازدیخواه از خود مهر تائید می زند.

آنای نیز که در اجرای سیاست سرکوب رزیم در علی این سالانها با همراه نبودند. با شرکت در جنین برآمده هایی، از مقام اجتماعی خود سو اسناده نموده و هنگیان تداوم جنین فجایه بدل می گردند. ما ضمن محکوم کردن این سیاست دولت المان و مجری آن بنیاد هاینریش بل، از سام ایرانیان مسترقی بخصوص زنان که طعم تلخ حیات جمهوری اسلامی را از اولین روزها محربه کرده اند، می خواهیم که وسیعاً در اختراض به این تعهدات صدای اعتراض خود را هر چه رسانی سازند

فرآخوان به هیتینگ اعتراضی

به دعوت دولت آلمان در روزهای ۷ و ۸ و ۹ آپریل ۱۷ نفر از چهره های طرفدار جریان دوم خرداد و بعضی مهربه هایی که سالها فرماندها را گانهای سرکوب بوده اند و همچنین سخنرانانی از طرف دولت آلمان در یک کنفرانس در شهر برلین شرکت خواهند کرد. نشریه اشپیگل در این مورد نوشتند است: "دولت آلمان مایل است که رابطه خود با ایران را بسیار پختند و برای رسیدن به این هدف اداره مطبوعات و نخست وزیری آلمان کنفرانس مذبور را تراخوان داده اند. این کنفرانس به دنبال سفر فیشر وزیر امور خارجه آلمان صورت میگیرد که رسما از خاتمه دعوت گرد به آلمان بیاید". این کنفرانس در ادامه سیاست خارجی دولت آلمان و با هدف جاده صاف کنی سیاسی و ایدئولوژیک برای گسترش روابط دو دولت صورت میگیرد.

تلash دولت آلمان تراشیدن توجیه سیاسی برای حمایت و دست دوستی دادن با حکومت چنایتکاری است که اوین و قزل هصار و گوهردشت و دهها زندان دیگر را به آشوبین اضافه کرده است. حمایت از یک حکومت قرون وسطائی مذهبی، زن سبیز، رژیم بیحقوقی مطلق مردم، ضد انسان. ضد کارگر، ضد کودک، رژیمی که صد هزار اعدام تنها یک قلم از کارنامه اش را تشکیل میدهد، شرم آور و فقط شرم آور است. در این کنفرانس قرار است عبای رفرمیستی بر دوش خاتمنی و مترجمین انداخته شود، و با استفاده از حضور چندین نویسنده و شاعر در تغیرانس، واقعیت مهمی که در حال انجام گرفتن است، پرده پوشی شود.

حزب کمونیست کارگری این سیاست ارجاعی را که به قصد مشروعیت دادن حکومت اسلامی و سد کردن مبارزات آزادیخواهانه مردم صورت میگیرد، محکوم میکند و با تمام قوا آنرا افشا میکند.

حزب کمونیست کارگری در اعتراض به این سیاست ضدمردمی و ارجاعی دولت آلمان و در دفاع از مبارزات مردمی برای آزادی و رفاه و سرنگونی حکومت اسلامی، میتینگ را در مقابل محل این کنفرانس در برلین برگزار میکند و همه آزادیخواهان، همه آنها را که برای آزادی و حرمت مردم دل میسوزانند، همه مدافعين حقوق زن، همه مدافعين یک جامعه غیر مذهبی و سنتواره، همه مدافعين برای برای سوسیالیسم، همه مدافعين حقوق کودک، همه مدافعين آزادی بیان و اندیشه، همه مردم آزادیخواهی که برای سرتکونی این حکومت کثیف و چنایتکار روزشماری میکنند و کلیه سازمانها و شخصیتیای آزادیخواه و مترقبی را به شرکت قعال در این میتینگ اعتراضی، برای افشا و محکوم گردن قاطعانه سیاست دولت آلمان فرامیخواهند. در حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم، علیه جمهوری اسلامی و دولت مرجع آلمان، قاطعانه از این میتینگ حمایت کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

۲۰۰۰ مارس ۲۲

محل: برلین، مقابل Haus der kulturen der Welt
John-Foster-Dulles- Alle 10 Berlin/ Tiergarten
وسیله نقلیه در برلین Buss 100

زمان: شنبه ۸ آپریل، هیتینگ سراسری ساعت ۱۰ تا ۱۷

یکشنبه ۹ آپریل ساعت ۱۰ تا ۱۷ بعد از ظهر

برای اطلاعات بیشتر با تلفنهای ۰۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳ و ۰۱۷۷۵۷۱۹۲۲۳۳، تساں بگیرید.

در هامبورگ ۰۱۷۲۴۶۲۲۳۸۱ و پیام کیر و فکس ۰۱۰۷۷۲۰۳۵۰۱۰۷۷

برلین

داخل سالن کنفرانس بیرون سالن کنفرانس

روزهای ۷ تا ۹ آوریل در برلین دو میتینگ در مورد مسائل ایران برگزار میشود. اولی را موسسه فرهنگی سیاسی هایرش بل و دومی را حزب کمونیست کارگری سازمان داده است.

۵ اولی توسط جناح دو خوداد جمهوری اسلامی و اداره مطبوعات و نخست وزیری دولت آلمان حمایت میشود و مرمی توطی کمونیستها، آزادیخواهان، نویسندهای معترض و مردم گیریخته از چنگ رژیم اسلامی.

۶ در میتینگ اولی افرادی که در سالهای ۶۸ یعنی سالهای اوج اعدام و بکیر و بیندها فرمانده سپاه پاسداران، اصلی ترین ارگان سرکوب و رعب و وحشت و دستگیریها، بودند از جمله سخنرانان کنفرانس خواهند بود. در میتینگ دومی تعدادی از چهره های آزادیخواه سخنرانی خواهند کرد.

۷ در میتینگ اولی قرار است نهوده حمایت از دولت خانصی و سد کردن رادیکالیزم مردم مورد بحث قرار گیرد در میتینگ دومی موقیت بحرانی جمهوری اسلامی، گترش مبارزه مردم. مطالبات عادلانه بخشهای مختلف مردم و راه تقویت و حمایت آن مورد بحث قرار میگیرد.

۸ در میتینگ اولی قرار است مسلمانانی که به گفته موسسه هایرش بل تازگی ها به این رشد رسیده اند که اسلام مدرن را آرزو میکنند (به بعدها) همراه با مقامات وزارت امور خارجه و نخست وزیری آلمان در مورد اهمیت دمکراسی و اسلام مدرن و سکولار ا به تضییغ بپردازند، در میتینگ دومی موسیالیستها و آزادیخواهانی که بیست سال است قاطعانه برای آزادی و یک جامعه سکولار و مدرن مبارزه میکنند، میخواهند ماهیت کلیت اسلام و جمهوری اسلامی و دولت آلمان را اثنا کنند و بر ضرورت سرنگونی رژیم اسلامی به عنوان اولین شرط رهانی مردم ایران تاکید کنند.

۹ در میتینگ اولی اختلال دارد ا به قتلیهای زنجیره ای در سال ۹۹ هم اشاره شود اما اعدام صد هزار انسان دیگر مطلقاً پرده پوشی میشود، در میتینگ دومی قرار است قتل های زنجیره ای و اعدام صد هزار نفر دیگر و سایر جنایات حکومت اسلامی و نیز حمایت دولت آلمان از این حکومت کلیف محکوم شود.

مردم آزادیخواه

در هر کجا که هستید و به هر شکل که میتوانید قاطعانه از میتینگ دوم حمایت کنید. خود را به برلین برسانید، بیام پشتیبانی بفرستید، کمک مالی بکنید، خبر این میتینگ را هر جا که میتوانید پخش کنید و از مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران و سرنگونی رژیم صد هزار اعدام، سرنگونی رژیم قصاص و متوجه مذهبی، سرنگونی رژیم زن ستیز و بیحقوقی کارکر، بیحقوقی کودک، بیحقوقی مردم و سرنگونی رژیم فقر و سیه روزی یک جامعه ۶ میلیونی پشتیبانی کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

۲۷ مارس ۲۰۰۰

متحداهه علیه کنفرانس تدارک سفر خاتمه به آلمان مبارزه کنید!

زنان و مردان مبارز و آزادیخواه،

دولت آلمان از طریق نهادهای فرهنگی وابسته به خود ترتیب برگزاری کنفرانس را با شرکت گروهی از نویسندهای نگاران ایرانی و آشناز داد، است. قرار است این کنفرانس در روزهای ۸ تا ۱۰ آوریل ۲۰۰۰ در محل «خانه فرهنگی» در برلین تشکیل شود. هدف از برگزاری این کنفرانس طاهری برقراری ارتباط فرهنگی و تبادل نظر روشنگران در کشور است. اما در رابطه من خواهند داشت و میتوانند این کنفرانس را از نظر سیاسی آشامند کنند. من خواهند حال و هوای سیاسی ایرانیان تعبیدی و نیروهای انتقامی و مبارز آشناز را در آشناز سفر خاتمه بیازایند و بر این پایه، تسبیبات سیاسی و تدبیر لازم انتظامی و امنیتی را در ارتباط با آن اختاز کنند. قرار دادار این کنفرانس و اتفاقات مشابه دیگر را مقامات دولت آلمان در تاسی های پنهان و آشکار خود با زئم حاضرگار و نوکر صفت ایران گذشتند.

امیریالیستیهای آشناز مسند سایر قدرتیهای امپریالیستی در ایران منابع سرشایر دارند. آنان فقط به دنبال کسب سودهای کلان در معاملات در جانبه نیستند، بلکه من گویند از نظر سیاسی نیز جای پای خود را در هیئت حاکم اسلامی محکم کنند. همین ها برآوردهند که با هدف نزوه پیشتر در دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، امیرا پیشتره کامپیوتی را برای کنترل مردم و سرکوب نیروهای اپریسیون در اختیار رژیم نهادند و میزبانان فلاحیان جلاد شدند. همین ها هستند که در رسانه های گروهی خود، اراضی اجتماعی و سیاسی ایران را «در حال بهپرورد» معرفی می کنند و تصریفی وارونه از معرفت تلاشگار میزبانان را در مدد می کنند. همین ها از اینه می دهند، همین ها هستند که میزبانان پیشگوی ایرانی را تحت نشار پلیس و سرکوب راهیستی فرار داده و توقیحانه در پی باز گرداندن آشناز به جهنم جمهوری اسلامیتند. همین ها هستند که به زور حجاب اسلامی بر سر زنان پنهانچری ایرانی می کنند تا انسداد قابل تبول از نظر سناریت ایران را برای پس فرستادن آشناز خرامه سازند.

کنفرانس تدارک سفر خاتمه، در خدمت نزدیکی هر چه بیشتر هست حاکم و مهار یا فلنج گردن سیاسی اپریسیون در زیم در خارج از کشور، و زمینه بینی برای بسط نفوذ همه جانبه امپریالیسم آلمان در ایران است. چهار های اصلی این کنفرانس با مهستان آشناز ایصال دولت آلمان، چند مهر و سوای ارجاعیهای که چند سالی است پیش ثغاب اصلاح طلبی و خدیث با استبداد پنهان شده اند تا مردم ناراضی و مستندر از رژیم اسلامی را بفریستند. گنجی، علیه تیار، جلاش بور و کدیر، شایانگان سخنچ و خدمتگذار دستگاه حفاظت و غارتند. همین نزول اول، سایه شرکت مستقیم در کشاورز و سرکوب کوشیتها و سایر نیروهای مبارز و نزوه های فقرمان کرد را دارند و به گفتش روز افتخار می کنند. اینها از کادرهای سیاستی پیشگویان بودند؛ در افق های بازجوشی و شکنجه زندانیان سیاسی حضور داشتند؛ و «جاده و حدت» که سرکر ایوانش چادار در برایر دانشگاه، تهران بود را در دو سال بعد از انقلاب ۵۷ می چرخاندند. اینها ماهیتی فرقی با الله گرم ها و سید امامی ها ندارند؛ و حتی همین امرور به سراجحت می گردند اگر قرار باشد نظام اسلامی به خطر بینند و راه برای رشد و تقویت نیروهای مختلف نظام باز شود، همان جایات گذشته را تکرار خواهند کرد!

در لیست شرکت کنندگان در این کنفرانس، نام برخی افراد خوشام و با حسن نیت و مستقل از حکومت به جشم می خورد. اما این نفعی بری در میعت و اهداف کنفرانس نیس دهد. دعوت از این افراد، خود بخشی از خدمه گری مقامات آشناز و رژیم اسلامی است تا صفت خلق و مدلخواه را مخدوش و تربیتگرها و آزادی طبلان هر دو کشور را گیج کنند. باید شرکت کنندگان نبیر حکومت در این کنفرانس را نسبت به اهداف رژیم ایران و حامیان امپریالیست آشناز، کرد. باید به آن مشارد داد که باید در بازی سرکوبگران آزادی و دشمنان منابع مردم شرکت کنند و در کنار شکنجه گران و مرتعجنین شکاریان پیشینند.

سیاستکه که نیروهای اپریسیون اتفاقی دستوری دهند این کنفرانس اخذا می کنند و کم و کیف مبارزه ای که علیه آن سازمان می دهند، یک آزمون نهم است. باید با میزانی هر چه گستره، تو روزنده تو این مبارزه، مزیدنی قاطع و عیق خود با کلیت رژیم ارجاعیهای صفویه اسلامی دولتیان آلمان اعم از سوسیال دمکرات و سیز و دمکرات مسیحی را انشتا، کنیم. رژیم اسلامی نیز بردازیم و اهداف خد و رزمنده را بنشانیم که باید بردازیم. باید بردازیم از منافع حامیان امپریالیست پیش امید داشتن به «الطفا» اینها، یا بیان توهمند است و یا فربیکاری، دو میاره ای که بیش رو داریم، باید نگاهان به بایین ساند و دست به جانب محتدیان واقع خود داریم کنیم. این مبارزه در سورشی می تواند واقعه میراث و اصولی و محکم به بیش مرود که برای پیوند و هستگی انتساباتی با شروده های بزرگتر و زنگشتن در آلمان و نیروهای انتقامی و مبارز آشناز ر مهاران سایر ملل نکشیم. و چنین باد!

هرگ بر رژیم ارجاعی جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستی

زنده باد انتقامی!

زنده باد هستگی انتساباتی!

هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - آوریل ۲۰۰۰

برادران گرگ

در این کنفرانس هیچ اتفاق خارق العاده‌ای نخواهد افتاد. زیرا اتفاق اصلی در جامعه ایران افتاده است. این اتفاق با زبان اعتصاب‌های مکرر کارگران، با تلاش‌های زخمی کردستان و با زبان پیشوونده زنان، بیش از بیست سال است که بیان گشته است.

گرگ‌های جهان، با پشتونه تاریخی اشان که تنها تاریخ استثمار و سرکوب‌گری است، بار دیگر در این کنفرانس به یکدیگر لبخند خواهند زد، و چنین خواهند گفت: "خانم‌ها، آقایان، تا جهان هنوز و همچنان در چنگ ماست، موقعیت را دریابید، با قانون عمل کنید، و به شیوه ما خود را ابقا نمایید!"

بدینگونه "ایران" کالایی است که تا کنون بارها در بازار جهانی معامله شده است و این بار نیز خریداران قدرمندی همجون بازار مشترک اروپا و در رأس آن دولت آلمان در تلاش برای قیمت گذاری بر این متعاق قیمتی است. اکنون که بیش از دو دهه، از خارج شدن این کالای ناب از چنگ آمریکا و شاه گذشته است، کالای "ایران" در این مدت به سبک مذهبی . اسلامی بفروش رسیده است، و شرایط چنین فروشی از نظر "مدنیت" و جامعه مدرن چندان عقلانی نیست. فروش، بدون "فرهنگ" فروش مدرن، بازار جهان را با اختلالات جدی مواجه کرده است و آقای خاتمی این واقعیت را به خوبی و بیش از دیگر رهبران جمهوری اسلامی دریافته است.

در این کنفرانس هیچ اتفاق خاصی نخواهد افتاد، جز آنکه گرگ‌ها و برادرانشان بار دیگر بر سر شرایط این فروش با زبان پیشرفته فرهنگی معاملات آینده را تضمین نمایند.

خانم‌ها و آقایان برگزار کننده و شما خانم‌ها و آقایان دعوت شده به این کنفرانس، جملگی شما تروریست هستید، در واقع تروریست‌های حقیقی شما هستید، شما که بنا به انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌های سرمایه‌داری، بنام "فرهنگ" و "هاینریش بل" دست به ترور فرهنگ‌ها و ترور "هاینریش بل"‌ها در تمامی جهان میزنید. از دمکراسی و "دیالوگ انتقادی" دم میزنید و حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی را حمایت می‌کنید تا راه‌های سودمند بستن قراردادهای آینده خود و دولت‌ها متبوعه اتان را هموار کنید. شما قصد ترور آینده مردم و جامعه ما را دارید. شما تنها میتوانید مبتکر فرهنگ مدرن سرکوب و کشتار باشید، چنانکه تاریخ سرمایه‌داری تا به امروز این را اثبات نموده است.

تلاش شما تنها بیان ترس شما از جنبشی است که هر لحظه امکان آنرا می‌دهید. دولت‌های شما فقط می‌توانند زندان بسازند و هرگونه صدای آزادیخواهی را در گلو خنک کنند و هزاران زندانی را در ظرف کمتر از دو هفته به جوخده‌های مرگ بسپارند.

در این کنفرانس هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، جز آنکه مشاوران و دست اتدرکاران یک رژیم جنایتکار، که تا دیروز با پشتوانه چهل و ناآگاهی "امت حزب الله" بر جامعه ایران حاکمیت کرده اند، امروز که دیگر چنین امتی در کار نیست با بسیج تنی چند نویسنده حقیر شده ایرانی و بیاری قدرت های بزرگ جهان سرمایه داری بور سر حفظ همان قدرت به بحث و تبادل نظر بنشینند. این و هزاران کنفرانس دیگر از این دست، هیچ معنایی جز چاره جویی از ترس در جهت مقابله با جنبش حق طلبانه مردم و جنبش کارگران و زحمتکشان در ایران ندارد، ترسی که باری سرمایه داری ایران و جهان با بستن شیر نفت از سوی کارگران هنوز بخطاطر دارند، جنبشی که در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) سایه خدا را از میان برداشت و اکنون حاکمیت خود خدا و شکل اسلامی سرمایه در ایران در تیررس آن قرار دارد.

باری هنوز و همچنان شبی در گشت و گذار است، شبی که سرمایه داری جهان بخوبی از آن آگاه است، شیخ کمونیسم، شیخ جنبش طبقاتی کارگران، که تمامی جهان پول و کالا را وامیدار در تمامی لحظات از بواقعیت پیوستن آن پیشگیری نماید، خاتمی را در ایران باد بزند، مدنیت افسا شده سرمایه داری را قدسیت ببخشد و تمامی نیروهای جبور اجتماعی، تمامی روشنفکران و اخورده را به گرد خاتمی فرا بخواند، تا در هیئت خاتمی چیان امروزی بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی را نجات دهد.

این کنفرانس هیچ نکته پنهانی ندارد، و آشکاراً قرار است با حضور ادبیانه دولت آبادها در جهان حلی آبادها، و قد رعناء و چشم شهلاهی کدیرها، و با ریاست دانای اکبر گنجی‌ها مجموعه رژیم سیاسی ایران را استوارتر نماید.

اما علیرغم تمامی این سیاست‌گری‌ها و علیرغم تمامی واسطه‌گری این روشنفکران حقیر، جامعه ایران برای اعاده حقوق خود، اعم از لغو حکومت مذهبی جمهوری اسلامی و جدایی دین از دولت، لغو مذهب رسمی، برای لغو قانون اعدام، بدست آوردن کلیه حقوق فردی و اجتماعی، آزادی اتحادیه‌های کارگری و اعتصاب، برابری کامل زنان با مردان، آزادی احزاب و کلیه نهادهای اجتماعی و همچنین برای به محکمه کشاندن تمامی جنایتکارانی که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بنوعی همکار آن بوده‌اند، با تمامی توان به مبارزه خود ادامه خواهد داد، و از حرکت باز نخواهد ایستاد و شما را با دولت‌های حامی اتان همچون شاه و سلطنت به موزه خواهد سپرد.

هسته کمونیستی. فرانکفورت

تلاش دیگر امپریالیستها برای تطهیر رژیم سرکوبگر

جمهوری اسلامی!

در میان این سی و نه دو لیائی امپریالیستی در میان از دولت خاتمی و تئیز سرمه رژیم جنایتکار مسیوی اسلامی، هر چند این ایالات از تهدیدی توپستگان و «خشمگینی» مبنی ایران دعوت کرد که در جلسات بحث و کنکویی که در آنج Heinrich Böll آنان در تاریخ ۷ تا ۸ اپریل برگزار می شود، شوکت کنند.

کوچه حرب سرمه و دولت اسلام می کوشند که برگزاری این جلسه را اندامی «هرگز نمی کنند» و تئیز باشی ملیه دند. اما نکاتی به ترتیب این اراده شرکت کنندگان ایرانی و اسلامی در این جلسه نشاندهند مقادی سیاسی و انداد فرمیکارانه دولت اسلام می باشد. شرکت شایندگان آنچنان تجارتی ایران و اسلام و اعضا پارلیمان اسلام آنها در این جلسه از یک سو و حضور مامورین شناخت شده وزارت امنیات و خشمگینی معلم العالی ظاهر سخا، جمهیه کدبوری، پیکر پیلان، اکبر کنجی، همراهکار و ... در کنار نمی چند از توپستگانی که به چارچوی «جاسوس مدنی» دولت خاتمی جنایتکار مدل شده‌اند، پیامکو کوش ای از ساقع و انداد سیاسی حزب سرمه و دولت اسلام از این اندام اسلحه فرضی است. بیویزه اندک این جلسات در زمانی برگزار می شود که پس از دیدار وزیر خارج اسلام از ایران دولت این کشور در مدد زیست سازی برای میدان خاتمی جنایتکار از اسلام می باشد.

اندام دولت اسلام و حزب سرمه در شرایطی میزبانی می کرد که دولت خاتمی میزون اسلحه خویش در تداوم دو دهه حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی کفر کارکران و توهه های محروم را زیر بار استشار و ستم و سرکوب ددمشان حاکمیت سرمایه داران و ایام و سکنیها و زندان و تورو میزون گذشت هنچنان حرف اول دولت خاتمی به توهه های متعرض است، امپریالیستی های فرمیکار می کوشند این واقعیات را در افکار عمومی خود کشان ساخته و پیغمبر سرکوبگر جمهوری اسلامی را تبلیغ شود و با ترنند «کارگردانی» و ... پرده ستاری بر تابی جنایت جمهوری اسلامی و دارو وست های مختلف از یاری طلب خلبانی تحت سنم ایران کنند.

این این اندامات در مدد دند که در چیزی بسیار مانع استقرارکاران خویش دولت خاتمی را دولتی «املاع طلب» و «دستگاهی» خلوه داده و ضمن مقدار تراویدادهای خارجیکاران خوب پیشتر با زیست و ایام ایامی سرمایه اسلامی سلطنه اقتصادی سیاسی خود در ایران و سملک را بر علیه کارکران و زحمتکاران هرجه مستحضر ساختند.

س این اندام دولت اسلام و حزب سرمه را تاهمات محاکم کرده و در گونه نلاشی را از سوی هرگزی در راستای سیاستنای امپریالیستی و با حدف تبلیغ چیزهای جمهوری اسلامی و دولت خاتمی فرمیکار میزبانی می کنند.

سون شد دور نیست رویی که توهه های سازه و پیاخته های در تداوم سیکار و نکته ملبدیر میزش در دو دهه کنده شد، روزه سرکوبگر مسیوی اسلامی را با تابی دارو وست های شندختنی اس سرکون ساخت و سلطه امریکی امپریالیستها در ایران را با تابی نجابت نکنند.

سرکون باد روزیم و است به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

برک بر ماسانی، رستگانی، خانسی!

برک بر برگزاران!

بورویان سایرات من مللشاه بودم ایوان!

فراخوان به

تظاهرات سراسری ۸ آپریل در برلین

برای جا انداختن توطنه ای به نام خاتمی علیه مصالح و منافع مردم ، و خلاصه کردن اپوزیسیون خلافت اسلامی در یکی از دار و دسته های دژخیمان حاکم بر ایران ، مشتی شکنجه گر و یک ملا ، در معیت چند نویسنده از داخل و چند فرصت طلب مردم فروش در خارج ، روزهای هفت و هشتم و نهم آپریل ، در برلین سمینار خواهند داشت.

طرح این توطنه ، اداره اطلاعات ، وزارت امور خارجه و دفتر صدراعظمی آلمان اند و دعوت کننده بنیاد هاینریش بیل از نهادهای موازی حزب سبزهای آلمان است.

از آنجا که انجام چنین توطنه هائی ، دخالت مستقیم دولت آلمان در سرنوشت مردم ایران برای قانونی جلوه دادن جمهوری اسلامی است ، گمیته دفاع از جنبش ، در معیت نویسنده گان معتبر ، اپوزیسیون دموکرات ، چپ و آزادیخواه ایران ، همه اعضا ، هواداران و آزادیخواهان تبعیدی را به شرکت در تظاهرات برلین برای درهم شکتن این نیرنگ امپریالیستی - آخوندی ، فرامی خواند.

گمیته دفاع از جنبش - واحد آلمان

زمان: شنبه ۸ آپریل ساعت ۱۰ الی ۱۷

مکان: برلین Berlin مقابله Haus der Kulturen der Welt با اتوبوس ۱۰۰

John Foster Dulles 10

تلفن ارتباطی: ۰۱۷۱ ۸۳ ۲۵ ۵۶۳

از گفتگو بین ایرانیان داخل و خارج از کشور استقبال می‌کنیم

روزهای ۷ تا ۹ آوریل ۲۰۰۰ میلادی برابر با ۱۹ تا ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ خورشیدی سمتاری لیه عنوان "ایران پس از انتخابات مجلسی" در خانه فرهنگی جهان در برلین به زبانهای فارسی و المانی برگزار می‌شود. در این سمتاری که به اینکار و پیشیگیری بنیاد فرهنگی HEINRICH BÖLZ در آلمان نداری یادگار است، میهمانانی از ایران شامل نویسندهای، روزنامه‌نگاران، دست اندکاران مطبوعات و سینما، حلقه‌نظریان مسابل سیاسی، پژوهشگران مسابل زنان، و متخصصان اقتصاد و مسابل زیست‌محیطی شرکت دارند. کرچه هدف از برگزاری این سمتاری تبادل نظر فرهنگی، سیاسی بین ایران و آلمان در سطح تئاتر، تئاترها و افراد غیر دولی است، با این وجود ما آنرا فرمی نیز چهت تقویت رعایت های گذشته و برخوردهای از این دست اندکاران خردمند های مختلف فرهنگ و سیاست در ایران با ایرانیان خارج از کشور من داریم و از آن استقبال می‌کنیم.

در عین حال باید باداور شویم که جای تمايزندگان گرایشی‌ای دیگری از طریداران، اسلامیات سیاسی و اجتماعی در کشور و نیز تمايزندگانی از همین عرصه ها از بین ایرانیان خارج از کشور در این سمتاری و فریادهای همگانی داخل خالی است. ما بر این باوریم که چامده می‌باشد در حال اگذار از یک دگرگونی زرق فرهنگی و در آستانه یک تحول بزرگ سیاسی و اجتماعی است، برای موقعیت در این راه و پیوی دست یافی به اتفاقی روش اینده نسrok دمکراتیک همه‌گروههای اجتماعی و فرد مردم شهروندان ایران از جمله میتوانند ایرانی خارج از کشور امری ضرور و اجتناب ناپذیر است. بدین منظور مسابل مهمی چون یاپان، چاندندیش، حقوق پیشوای ایران، پذیری اصل نوع فرهنگی و نوع آراء و عقاید در بین ایرانیان، ازادی احزاب و جمیعتها، تلبی مرزنشیبدای مخصوصی بین سهوروندان در داخل کشور و بین داخل و خارج از کشور زیر عنوان خودی و قدر محدودی و تأمین توابیط بازگست آزاد و سراسرمندانه ایرانیان خارج از کشور برویزه بوساس هنچ بی‌گروه سیاسی و عقدنده، از حمله مسابل است که باید به راه حل قطعی دست یابیم.

ما ضمن احترام به حق همه ایرانیان خارج از کشور برای انتخاب مشش سیاسی خود در راه دست یافی به این اهداف، مطرح علی و از ازاد مسابل و پیش برد راه گفتگو و برداشی و تلاحم بین طبقهای مختلف و در سطوح متفاوت ایرانیان در داخل و خارج از کشور را مقید و تحریکش و در چهت تقویت دولتها و سهولات دعایز ایگر در ایران می‌دانیم، ما اعیندوایم و به سهم خود می‌کوسم نا در اینده همان و امکانات گسترده تری برای برگزاری این گفتگوها برویزه با سرکت موثرتر ایرانیان خارج از کشور براهم گردد.

اجمن گفتگو و دمکراسی - باریس - فرانسه	چامده ایرانیان ازادخواه - برلین - آلمان
کالون دفاع از دمکراسی در ایران - مالمو - سوئد	نالاسکران چامده باز - فرانکفورت - آلمان
کالون فرهنگی ازاد - اپسلا - سوئد	کالون سیاسی - فرهنگی ایرانیان - هامبورگ - آلمان
الجن ایرانیان مفهوم بجهه - سوئد	کالون ایرانیان دمکرات - کلن - آلمان
الجمن فرهنگی نگاه - اسن - آلمان	



اطلاعیه

درباره سمینار

"ایران پس از انتخابات مجلس"**در آلمان**

روزهای هفتم تا نهم آوریل ۲۰۰۰، برابر با ۲۱ فروردین ۱۳۷۹، سمیناری تحت عنوان "ایران پس از انتخابات مجلس" در خانه فرهنگ های جهان، در برلین برگزار می شود. این سمینار به ابتکار و تحت حمایت بنیاد فرهنگی "هایپریش بل" تدارک شده است. شرکت کنندگان در آن از ایران دعوت شده اند و شامل تعدادی از نویسندها، روزنامه نگران، صاحب نظران و فعالین سیاسی می باشند. موضوعات این کنفرانس عبارتند از: اسلام، اصلاح و جامعه مدنی، حقوق و جنبش زنان، جوانان در ایران امرزو و مطالبات داشجوئی، رسانه ها، هنر و ادبیات در روند اصلاحات و دمکراسی، اقتصاد و سیاست محیط زیستی در جمهوری اسلامی و دست آخر، ارزیابی و چشم انداز سیاست آلمان در برابر ایران.

دعوت شدگان به این اجلاس عزت الله سحابی، یوسفی اشکوری، کاظم کردوانی، اکبر گنجی، مهرانگیز کار، علی افشاری، حمیدرضا جلالی پور، فریبرز ریس دانا، علیرضا علوی تبار، خدیجه مقدم، شهلا شوکت، چنگیز پهلوان، شهلا لاهیجی، محمد علی سبانلو و جمیله کدیور هستند که از ایران دعوت شده اند و عمدتاً از طیف معینی هستند که خود را اصطلاحاً "دوم خردادی" می نامند و از خط و جبهه مشخصی در حکومت دفاع می کنند و به هیچ وجه در برگیرنده طیف متنوع روش‌گذاران ایران نیستند.

هرچند این سمینار در خارج از ایران برگزار می شود و طبیعی بود که در چنین سمیناری صاحب نظران و نماینده‌گانی از ایرانیان مقیم خارج نیز دعوت شوند، اما برگزارکنندگان این سمینار از این کار امتناع کرده اند. تعداد محدود روزنامه نگران ایرانی نیز که در زمرة برگزار کنندگان این سمینار قرار دارند، خود در تدارک جانبدارانه این سمینار نقش داشته اند.

هم محدود بودن دعوت شدگان به تیرو های طیف معین و هم نادیده انگاشتن ابوزیسیون خارج از کشور، بیانگر یک جانبه نگری برگزارکنندگان این سمینار و هدفمند بودن آن، برای تاثیرگذاری در افکار عمومی به نفع سیاست چاری دولت آلمان در قبال دولت ایران است و بیش از آن که روش‌گذاری در افکار عمومی نسبت به حوادث حاری در ایران را دامن بزند، در عدد ازانه تصویری یک جانب از "اصلاحات" مورد نظر دولت خاتمی در چارچوب جمهوری اسلامی است.

نامه «عباس معروفی» در مورد کنفرانس برلن

« Abbas معروفی » اینوسته مشهور ایرانی که خدمال پیش از است اذیت و آذربایجان را از اسلامات ایران راهی آلمان نموده و از حادثهای پیش از تولد دهانه ایشان بدل « برازی زندگی در آن شکور پوچودار گردید با این حال نامه ای به خانم آنله ماری بل » همسر هایپریش بل به بروز ای راهی کنفرانس ایران اعضا می کرد.

معروفی در نامه خود از جمله چنین نوشت:

« مسنهانه کنفرانس آرولی که میتوانست مکرر تفاهم و تفقطه تداول اندیشه باشد و بربی بر تاریخ فرهنگی سیاسی ایران متعارف باشد با این ملumat مسئول قرار گرفت که جزو به تقدیم از حکومت جمهوری اسلامی ایران کفری ایرانیان در تبدیل خود را حذف کرد.

آن حذف، میری، قبیل و تقویم پندی مورد اعتراض و انتقاد سپاری از افراد اختاب و پیاده ای قرار گرفته که چندین اهل علمی و حرفک

اعتراض درین داشته است: میگویند: « برقی کارشناس خان مهرم داخل کشور و تمام شنایتگان کفری خارج از کشور خذف شده است ».

میگویند: اغلب این کنفرانس از مؤلفه های مهم ساختار فرهنگی - سیاسی جامعه ایرانی اند ».

میگویند: « در جامعه آلمان که مدعی بلوراسم است، سی سیاسی شده که برقی مسناها را نشند ».

میگویند: « افسر جمهوری اسلامی به این کنفرانس دعوت شده، اما تبعید باش که در سیویش شکور نشی و دانه خپور نداند ».

میگویند: « سراجچان مواضع ای ماری شیبل چایکنیون موقعیت هایپریش بل شده، میگویند: « دفتر صلح اعظم آلمان این کنفرانس را باز هدف بپرسید و روابط ایران و آلمان برداش میکند ».

میگویند: « پیاده هایپریش بل در خدمت اهداف دیبلماتیک قرار گرفته است ». میگویند: « اگر هدف پیاده هایپریش بل در این کنفرانس حمایت از دولت خانمی خواهد بود. حق در کارآزمای مدعون هم نمکه منتهی به ثبت تمیریه ».

میگویند و است میگویند: « عباس معروفی در ادامه نامه خود تاکید کرد: « هی کسک پیاده در برقی از این کنفرانس، شکور کرد و واقعیت چیز فرنگی سزا را از اینه نداده و این دقيقه همان سیاست جمهوری اسلامی است ».

نامه « فرج سرگوهی » در مورد

کنفرانس برلن

« فرج سرگوهی » اینوسته مشهور نیز که از خطره مرگ و کشته شدن توسط وزارت اسلامات جمهوری اسلامی رهایی پایت و در آلمان زندگی میکند در نامه ای به پیاده هایپریش بل به برقی از کنفرانس برلن به صورت تکنیک آن اعتراض کرد.

سرگوهی در نامه خود نوشت:

« تندیک به آنلاین لایوان در خارج از ایران زندگی میکند و مساحت روشکار، استاد دانشگان، اینوسته و هنرمند و روزنامه نویس و چهره های درجه سیاسی تبدیل ایرانی در عرصه های فرهنگ و سیاست فعالاند. جمهوری اسلامی همراه خواهان خذف گریپیش های فرهنگی و سیاسی ایرانیان تبدیل است. برقی از نشستگان کنفرانس ایران سی از انتخابات مجلس به روال جمهوری اسلامی پیش از آنچنان ایرانی را که اینجا در خارج از کشور زندگی میکند و گلپایگان و چهره های پرسته و مشهور و اتفاق فرهنگی و سیاسی داشگاهی تبدیل را از کنفرانس خذف کرده است ».

سرگوهی در جای دیگری از نامه خود نوشت:

« بیان من شکنی اور است که در کنفرانس سیاسی برقی در برابر ایران بحث حقوق پسر و آنایی ایان در ایران حل شده است. جمهوری اسلامی بحث حقوق پسر در ایران را دوست ندارد و اینوارم خذف این بحث در کنفرانس شما اماراتی اقتصادی و دیبلماتیک به جمهوری اسلامی نشاند. به غفیره اتفاق سرگوهی و کنفرانس پیاده هایپریش بل فرست از مست و نه ای است که میتوانسته به ظهاری ای اور بیانی کفت و گزی ایاد و همه جانبه بین روشکاران ایرانی و آلمانی و به اینکه نمی بخشم برای ایان برداشت مزه های نارا و ایون خودی و غیر خودی شهروند ایرانیان داخل و خارج میل شود. اما فرمتهای از دست دسته، جز اندوه چه حاصلی دارد ».

«کنفرانس ایران بعد از انتخابات مجلس» در برلین چگونه برگزار شد، یا نشد

روز جمعه ۷ آپریل، کنفرانس سه روزه بنیاد هاینریش بُل و خانه فرهنگ های جهان در برلین با اقدامات شدید امنیتی و تعداد بسیاری پلیس، آغاز به کار نمود. بنیاد هاینریش بُل، بنیادی است فرهنگی - سیاسی وابسته به حزب سبزهای آلمان (در آلمان هر چنی که در برلین صاحب فراکسیون باشد با کم دولت صاحب بنیادی باشد که مقاصد سیاسی و فرهنگی او را پیاده کند. بنیاد فریدریش بُل وابسته به حزب سوسیال دمکرات می باشد و بنیاد گُرتارد آتاولر بنیاد وابسته به حزب مکرات مسیحی و ...). این بنیاد به همراه بیضن نیرومند و مهدی جغفري گزینی، یک ایرانی با تابعیت آلمانی وابسته به حزب سبزهای و نوید کرمانی و کتابیون امیرپور و یک آلمانی به اسم هارتمن که در زمینه مسائل خاورمیانه فعال می باشد سازماندهی این کنفرانس را از ماهها قبل به عهده داشتند. (در اولین متنی که بنیاد منتشر و به نیاهای مختلف فاکس نموده است، از احمد عزیزی سفیر ایران در آلمان و نماینده ای از وزارت امور خارجه آلمان نیز به عنوان برنامه ریزان این کنفرانس نام پرده شده است).

نام کنفرانس ایران بعد از انتخابات مجلس بود و بروشور رنگی آن به عکس خاتمی مزین. قرار بود که جمعه ۷ آپریل ساعت ۶ بعد از ظهر کنفرانس با نمایش فیلم «دو زن» تهیه شده میلانی آغاز به کار کند. گویا کپی فیلم درین راه (شاید هم در ایران) گم شده است. بهر حال به جای آن، فیلم «فصل پنجم» نمایش داده شد.

از ساعت ۵ بعد از ظهر جمعیت کثیری به این مرکز آمده است؛ در گوشاهی از سالن ورودی میز نوشابه ای با رومیزی سفید و به شکل زیبایی تزئین و اطراف آن میزهای گرد برای مدعوین تجهیز دیده شده بود.

با موافقت سازمان دهنده کان یک کتاب به «کتاب فروشی عربی» Arabische Buch اختصاص داده شده بود. در سالن ورودی حزب کمونیست کارگری دارای یک میز کتاب بود، این میز را خودشان همراه آورده بودند. در هر گوشاهی اگر میزی خالی بود، نیاهاده و سازمان های مختلف آن را از آن خود می کردند. کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین و کتاب فروشی ایرانی «سراي اندیشه» که اجازه نداشتند میز کتابی داشته باشند، این میزها استفاده کردند. (کانون پناهندگان در نامه از خانه فرهنگ های جهان تقاضای میز کتاب نموده و کتبی پاسخ دریافت کرده بود که تصمیم سازماندهان بر آن است که به هیچ وجه چنین امکانی به کسی ندهند). اما روى میز مطبوعاتی برگزار کنندگان علاوه بر بروشورهای کنفرانس، بیانیه های مطبوعاتی سازمان فدائیان خلق (اکتریت)، سازمان جمهوری خواهان ملی ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران نیز قرار داشت، این سه سازمان از قبل همه تلاش خود را در دفاع از این کنفرانس بکار برده بودند.

روى میز کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین نامه اعتراضی به بنیاد هاینریش بُل و خانه فرهنگ های جهان به دو زبان فارسی و آلمانی و همچنین کتاب های «آیه های شیطانی» و «در برلین هنوز قضی هست» و شماره های مختلف نشریه «ایران رپرت» (ارگان پرست) بین المللی حقوق بشر نیز قرار داشت. بعد از نیم ساعت دو مأمور پلیس که با لباس شخصی در دو سوی دیگر میز ایستاده بودند، بعد از ۱۰ دقیقه و گفتند که میز باید در عرض ۱۰ دقیقه جمع شود، دو مأمور پلیس که با لباس شخصی در دو سوی دیگر میز ایستاده بودند، بعد از ۱۰ دقیقه هشدار دادند که میز را باید به فوریت جمع کنند. بعد از منذکه با سازمان دهنده کنفرانس، رئیس خانه فرهنگ های جهان گفت که استثنای امشب می شود کتاب در محل گذاشت و رو زهای دیگر چنین اجازه ای به کسی نمی شود. اما روز شنبه نیز میزهای کتاب گذاشته شدند و مورد اعتراض قرار نگرفتند. هم زمان با رور جمعیت به سالن پر از دیدن فیلم، پناهندگان پلاکارت هایی را که کانون پناهندگان تدارک دیده بود بر پسر راه جمعیت در دست گرفتند. روایین پلاکارت ها شعارهایی مانند: «لغو حکم اعدام»، «جدایی دین از دولت»، «لغو سگسار»، «لغو حجاب اجباری»، «چرا بیو زیستین خارج از کشور در کنفرانس حضور ندارد» و ... نوشته شده بود.

برای برگشته افتتاحیه سالن ۱۰۰۰ نفره ری خانه فرهنگ های جهان در نظر گرفته شده بود. برای رور به سالن تک تک افراد به شدت کنترل می شدند و مورد بازرسی بدنی قرار می گرفتند.

سه ردیف صندلی چلوی سالن با گاذدهای سفیدی که روی آن نوشته شده بود «رزرو» علامت گذاری شده بود. روی سن، یک میز بزرگ با پنج صندلی قرار داشت. در مقابل سن بیش از ۴۰ مأمور امنیتی رو به جمعیت به صاف ایستاده بودند. افراد پلیس در دو صندلی اول هر دیف و همچنین در میان جمعیت نشسته بودند.

سخنرانان که عبارت بودند از خانم میرانگیز کار و حججه الاسلام اشکوری، کاظم کردوانی و اکبر گنجی از پشت صحنه وارد سالن شدند. از یک طرف سدان کف زدن های متواتی جمعیتی کثیر و از طرف دیگر دریاده هو و همهمه ای رگ بر جمهوری اسلامی عده ای دیگر فضا را پر کرد. سخنران، نه روی صحنه بلکه روی صندلی های رزو شده جا گرفتند. برای این که جمعیت آرام شود، از سخنران دعوت شد که

روی صحنه بروند. دکتر زیل، مدیر «خانه فرهنگ‌های جهان» پشت میکروفون رفت تا جلسه را افتتاح کند. گروهی از زنان برلین به نام «زنان تعییدی ایرانی علیه بنیاد گرایی - برلین» که اکسیون‌هایی در اعتراض به این جلسه برنامه بریزی، پیش بینی کرده بودند، اولین اکسیون خود را به اجرا گذاشتند؛ تقاضای یک دقیقه سکوت که از طرف شادی امین شروع شد. به محض این که شادی امین شروع به صحبت کرد، گردانندگان برنامه بازیاد کردن صدای بلندگوها کوشیدند صدای اوراخنگ کنند و طرفداران سخنرانان فریاد برآوردند، «خفه شوء، بیشین»، به این ترتیب جلسه به اختشاش کشیده شد. جمعی دیگر نیز با شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» به اعتراض برخاستند. در آن سروصدا و شلوغی دکتر زیل Seel مسئول خانه فرهنگ شد. چنان پشت بلندگورفت و اعلام کرد کسانی که می‌خواهند جلسه ادامه پیدا کنند، اظهار نظر کنند. اکثریت حاضران با کف زدن های متوازن حرف‌های اورا تائید کردند. با این نمایش قدرت، داد و فریادها نیز به شدت بالا گرفت. حمربان با این اعتراض‌ها و کف زدن، زنان تعییدی ایرانی علیه بنیاد گرایی - برلین، چادرهای سیاه زنان‌ای را باز کردنده که داخل آن‌ها شعارهای اعتراضی نوشته شده بود. عده‌ای چادرهار از دست معتبرضیین می‌کشیدند و در برخی موارد نیز حتا تعدادی از معتبرضیین مورد تعریض بدنی قرار می‌گرفتند، از جمله: «خانم با دسته کاغذی که در دست داشت به دهان یکی از معتبرضیین زده ...»

وقتی که علاشرم کف زدن‌های ممتد جمعیت طرفدار، اعتراض ادامه یافت، رئیس خانه فرهنگ‌های جهان از جمعیت پرسید: «ما واقعیت پلیس مخالفین را از سالن خارج کنید؟» سپاری از حاضران به علامت تائید دست زدند، سپس دکتر زیل روی پلیس کرد و گفت: «اینها را از سالن دور کنید». پلیس که رسماً از طرف هورا کشان و رئیس «خانه فرهنگ‌های جهان» اجازه عمل گرفته بود، به شکلی بسیار وحشیانه به جمعیت وسط سالن حمله کرد. حداقل ۸ پلیس امنیتی شادی امین را محاصره کردند و هر کدام ضربه‌ای به او می‌زدند. احمد طاهری رئیس جلسه از جای خود بلند شده بود و از جمعیت می‌خواست دست بزنند و جمعیت حاضر نیز با کف زدن پلیس را تشویق می‌کردند. چند نفری که برابر نجات شادی امین از ضربات پلیس به او تزدیک شدند نیز مشروب شدند. این حمله و حشیانه پلیس به بخشی از شرکت کنندگان، جلسه را به طور کامل به هم ریخت. مسئول بنیاد هاینتریش بُل برای کنترل جلسه به پشت بلندگورفت و از هر دو طرف (هم پلیس و هم کسانی که معتبرض بودند، یا مورد ضرب و شتم قرار گرفتند) خواست که از این کار دست بردارند. بعد از این که پلیس به زور یکی از حاضران را از جلسه بیرون برد دکتر زیل گفت گویا خواست این خانم اعلام یک دقیقه سکوت که داد و فریادها نیز دقت شود اعلام می‌کنیم. به دلیل این که اعلام سکوت بدوین بیان علت آن انجام یافته بود اعتراض شد، این پار بهمن نیرومند پای میکروفن رفت. با اعلام یک دقیقه سکوت برای هزاران هزار قربانی که طی بیست سال گذشته به دست جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، جمعیت به پا خاست و اعتراض‌ها نیز فرو نشست.

بعد از سکوت جلسه آرام گرفت و با سخنرانی عزت‌الله سعابی آغاز به کار گرد. سخنران این شب عزت‌الله سعابی و مهرانگیز کار، اکبر گنجی و کاظم کردوانی بودند. سخنران عزت‌الله سعابی با اظهار این که آنها در ایران مانده و فرار نکرده‌اند، بلکه آنها به مبارزه ادامه دادند، خطر کردند، مورد اعتراض جمعی قرار گرفت. مهرانگیز کار بیشتر در مورد موقعیت زنان سخنرانی کرد، سخنران او مورد تشویق حاضران قرار گرفت. کاظم کردوانی توانست در فضایی آرام سخنرانی خود را راهه دهد. اما هنگام سخنرانی اکبر گنجی، جلسه دباره نا آرام شد و اعتراض به شخص ابدون توجه به سخنرانی اش شدت گرفت. علاوه‌غم انتراض‌هایی از جانب برخی از شرکت کنندگان اولین توانست سخنرانی خود را به اعتماد برساند. در پایان نیز به چند نفر از حاضران امکان بحث و سؤال به هر یک مدت دو دقیقه داده شد.

مجری و گرداننده جلسه احمد طاهری بارها از جای خود برخاست و برای سخنرانان کف زد و حاضرین جلسه رانیز به از جای برخاستن و تشویق کرد سخنرانی و مخالفت با هر اعتراضی دعوت می‌نمود.

در بیرون از جلسه بحث‌ها بسیار داغتر بود. جمعیت طرفدار کنفرانس که می‌گفتند از اعمال «غیر دمکراتیک» معتبرضیین خجالت می‌کشند، یکسره از «قانون دمکراسی» دم می‌زدند: قانونی که طبق آن مخالف، حق درخواست اعلام یک دقیقه سکوت هم ندارد. شخصی را که پلیس داخل سالن دستگیر کرده بود، خارج از سالن چنان دویاره کنک زده بود که خود به تاجار آمیلواتس خبر کرده تا او را به بیمارستان برساند. پلیس شادی امین را، هنگام خروج از خانه فرهنگ‌های جهان دستگیر کرد. جمعیت کثیری تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب، مقابله این مرکز مانند تا وی را که در ماشین مورد ضرب و جری پلیس قرار گرفته بود آزاد نمایند.

شببه ۸ آپریل ۴۰۰

هنگام ورود به محوطه خانه فرهنگ‌های جهان روی چمن سمت راست «حزب کمونیست کارگری» و سمت چپ «کمیته دفاع از زندگان سیاسی ایران - برلین» و «اتحاد چپ سوسیالیستی ایران - برلین» را که از قبل اکسیونی خارج از کنفرانس سازماندهی گردد بودند می‌بینیم. کنفرانس از ساعت ۱۰ صبح آغاز به کار کرد. سخنران این روز عبارت بودند از کاظم کردوانی، علی رضا علی تبار، علی افشاری و توماس برگر از روزنامه تاگس تسایتونک که به عنوان بحث کننده نشسته بود. گرداننده جلسه نیز هاینه بیله فلدست اسلام شناس

بود که جلسه را با سخنرانی در مورد نقش حقوق پسر در ایران شروع کرد. سپس علی‌الله تبار سرديپر روزنامه صبح امروز سخنرانی خود را لازم داد و نوبت به سخنرانی علی افشاری عضو مرکزیت «الجمن داشچویان مسلمان» رسید. در حین سخنرانی او پرورانه حمیدی هنرپیشه تاتر لباس‌های خود را در آورد و با شورت و سینه‌بند و روسری سیاهی برس در سالن به قدم زدن پرداخت. این عمل موجب شد که بسیاری از حاضرین در سالن کف بینند و علیه جمهوری اسلامی شعار دهند. در این اثنا مردی پیراهن خود را در آورد تا آثار شکنجه و شلاق را که در پشت او باقی مانده بود به تعماشگران نشان دهد. در این روز بیشتر از روز قبل چهره‌های تازه از راه رسیده به چشم می‌خورد، آنها از شهرهای دیگر با اتوبوس یا ماشین‌های شخصی و... به بریلن آمدند بودند (بعداً شنیده می‌شد که «حزب کمونیست کارگری» اتوبوس‌هایی تهیه کرده بود تا پناهندگانی را که در اردوگاه‌های پناهندگی به سر می‌برند، به بریلن بیاورد). سازمان دهندگان کنفرانس براین تصویر بودند که این نیز اکسپوی است مثل شب قبل و بعزمی خواستند تا به سخنرانی خود ادامه دهد، اما صدای او به گوش نمی‌رسید. پی در پی شغار داده می‌شد. بهمن نیرومند پشت میکروفون رفت و دعوت به آرامش نمود تا جلسه ادامه یابد. اما صدایش در میان شغار «مزدور پر گشوه»، محو گردید. نیرومند براز کنترل جلسه از دونفر از سخنرانان که فکر می‌کرد در میان مخالفین اعتبار دارند خواست که پشت میکروفون بیایند و به طریقی معتبرضین را ساخت کنند. شهلا لاهیجی از پشت بلندگو از جمعیت خواست که اجازه بدهند تا جلسه ادامه پیدا کند و تبادل نظر صورت بگیرد و برای بقیه هم فرستی باشد تا نظرات دیگران را بشنوند. اما شعارها ادامه یافتد. محمود دولت آبادی هم دعوت به آرامش نمود با هوی جمعیت روپوش و برگشت و عملآلتوانست کمکی به برگزاری جلسه نماید. یک عضو کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - بریلن از بلندگو اعلام نمود که علارغم مخالفت کمیته با شکل برگزاری کنفرانس، موافق با پیم زدن جلسه نمی‌باشد و خواهان آنداز تا آن‌ها به بحث و گفتگو پردازند. سکوت برقرار نشد. شهادت امین نیز خود را به پشت بلندگو رساند و با موضوع گیری نسبت به شکل برگزاری جلسه و هشدار به شهلا لاهیجی و محمود دولت آبادی که خود را دست آویز برگزارکنندگان نسازند، اعلام نمود که ترجیح می‌دهد جلسه برگزار شود تا همه بتوانند بحث‌های خود را مطرح کنند؛ سکوت برقرار نشد. اساساً کسی به این صحبت‌ها گوش نمی‌کرد، آنها که برای بهم زدن کنفرانس آمده بودند، مشغول فریاد کشیدن و شغار دادن بودند، پرچم سرخی با عکس مارکس توسط مردی به چرخش در آمد و به گاهان شغار «برابری، برادری، حکومت کارگری» داده شد. هرگز شعاری می‌داد، اگر مرد رضایت قرار می‌گرفت، از طرف بقیه تکرار می‌شد. مورد رضایت قرار نمی‌گرفت، در میان شعارهای دیگر محو می‌گردید. این حرکت اعتراضی هرلحظه بیشتر شکل هیستریک به خود می‌گرفت، حتاً خطر آن می‌رفت که کسانی که شغار نمی‌دهند، مورد حمله قرار گیرند، یا به آنها نسبت مزدوروی برای رزیم داده شون.

برگزار کنندگان جلسه که تجربه شب قبل را داشتند و کثرت معتبرضین را می‌دیدند از دخالت دادن پلیس پرهیز کردند و به جای آن جلسه صبح شنبه را تعطیل نمودند.

جمعیت برآروخته و پر از هیجان از سالن خارج شد. بحث‌های شدیدی درگرفت، موافقین کنفرانس بسیار عصیانی بودند و عکس‌العمل‌های تند و خشن از خود نشان می‌دادند. از جانب موافقین، «چهاره» مورد اعتراض بودند که همه را در یک صفت قرار می‌دادند، حتا آنها که علارغم اعتراض به شکل برگزاری کنفرانس خواهان بهم ریختن جلسه نیوتند و پر عکس می‌خواستند در بحث‌ها فعال شرکت کنند. نادیده گرفتن این بخش عامده‌است. سعی در آن است که اپوزیسیون خارج کشور را به دو بخش موافقین «جنپش دوم خرداد و مخالفین آنها تحت عنوان «چپ پیاده‌گر» تقسیم کنند تا استفاده سیاسی خود را آن بینند و برای خود وجهه‌ای بخوردند. بعد از یک توقف طولانی، با دادن شغار و ادامه اعتراضات، کنفرانس آغاز به کار کرد. خارج از کنفرانس ندایندگان کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - بریلن و حزب کمونیست کارگری مذاکراتی با برگزارکنندگان ایرانی جلسه و شهلا لاهیجی و چنگیز پهلوان انجام داده بودند. پرتابه‌بریان به مخالفین ۲۰ دقیقه امکان اظهار نظر دادند و از آن‌ها خواستند تا گمک کنند که جلسه ادامه پیدا کرد، بهمن نیرومند اعلام نمود که با نایندگان معتبرضین مذاکراتی صورت گرفته و به آنها امکان صحبت داده شده است. اما شغار دادن و هوکردن پیمن نیرومند ادامه پیشاندگان نماینده کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - بریلن از شرکت کنندگان خواست که با توجه به امتیازات بهدست آمده سکوت را رعایت کنند تا جلسه ادامه پیدا کند، اما شعارها ادامه پیدا کرد. آذر مدربی نماینده حزب کمونیست کارگری گفت که بهما امکان بحث داده‌اند و ما می‌خواهیم از این فرست استفاده کنیم، شغار دادن‌ها ادامه پیدا کرد. او گفت، اگر نمی‌خواهید جلسه ادامه پیدا کند، شغار مرگ برچمپوری اسلامی بدھیله، معتبرضین یک صدا شغار داد، او از پشت بلندگو کtar رفت. برگزار کنندگان از حجۃ‌الاسلام اشکوری خواستند سخنرانی نماید، او پشت میز نشست، بلکه پشت تربیون سخنرانی استاد، صدای بلند گورا بالا برده بودند، صدای شعارها نیز بلندتر شد. این بار بر زمین نیز پا کوییده می‌شد. به یک باره مردی به روی صندلی ایستاد و تمام لباس‌هاش را درآورد. گویا جای شکنجه و سخنرانی روی بدنش را شان می‌داد. بین فاصله سخنرانی اشکوری و لغت شدن این مرد چند زن قادر به سر با اسکورت مأموران امنیتی از قسمت جلویی وارد سالن شدند (جمیله کدیور و شهلا شرکت)، آن‌ها با عربیان شدن این مرد بلاقصله و با عجله از سالن خارج شدند. اشکوری نیز که سعی می‌کرد سخنرانی اش راقطع کرد و سخنران اهمگی از سالن خارج شدند.

مسئول بنیاد هایتشریش بل با ابراز تأسف فراوان اعلام نمود که نمی‌تواند امنیت سخنران را تأمین نماید. به این دلیل جلسه نمی‌تواند

ادامه پیدا کند و تمام برنامه آن روز و آن شب را قطع نمود. جمعیت از سالن خارج شد، در راه روح بحث بود، شایع شد که برگزار کنندگان ۵۰۰ عدد کارت صادر کرده‌اند و به تزدیکان خود نفری ۵ کارت داده‌اند تا آن‌ها کارت‌ها را بین معتقدین خود تقسیم کنند. شایعه به حقیقت پیوست و عده‌ای شروع به تقسیم کارت کردند. چندین نفر رفته‌اند تا برای روز بعد از پیغمبیر نیرومند کارت ورود به سالن دریافت کنند. نیرومند به آن‌ها گفت کارت تمام شده. آن‌ها اعتراض کردند. چطور ممکن است کارت تمام شده پاشدا چند دقیقه پیش تقسیم کارت‌ها شروع شده. او جواب داد: «شما که می‌گویید این جلسه وابسته به وزارت امور خارجه است، کارت می‌خواهید چه کنید؟ کارت تمام شده بروید».

این شیوه‌ی تقسیم کارت، حتا مورد اعتراض بسیاری از هواداران کنفرانس قرار گرفت.

یک شنبه ۹ آپریل

دور محوطه‌ی خانه فرهنگ‌های جیان از طرف پلیس با نزد های آهنی بسته شده و حفاظت می‌گردید تا کسی از روی آن‌ها نپرسد. ایرانیان «کارت دار» می‌توانستند فقط از یک گوشه، و با گنترل پلیس امنیتی و ارانه کارت‌ها وارد محوطه بیرونی این مرکز شوند. مقابله در ورودی، پیغمبیر نیرومند، فرهاد فرجاد، محمود موسوی‌زاده، مهدی جعفری گزینی از حزب سبزها) و ... باید صلاحیت افراد را تائید می‌گردند تا آنها بتوانند داخل سالن شوند. چند نفر که با کارت از پخش اول گنترل رد شدند، مقابله در، ورودی با اعتراض پیغمبیر نیرومند روپرور شدند که مانع ورود آن‌ها به درون سالن شد و به پلیس گفت که «باید اخراج شوند». عده‌ای هم که کارت داشتند حاضر نشدند با تائید کسانی که نقش پلیس امنیتی را بازی و مسئول شناسایی چهره افراد و تأثید صلاحیت یا عدم صلاحیت شده‌اند، به جلسه بروند. اختلافاً برای این که سالن را پر کنند، احتیاج به جمعیت بیشتری داشتند. تا ساعت ۳ بعد از ظهر هر ۴۰ دقیقه یک بار محمود موسوی‌زاده به همراه چند نفر دیگر به قسمت بیرونی می‌آمد و از میان ایرانیانی که کارت نداشتند چند چهره را انتخاب می‌کرد و با خود به داخل می‌برد.

علارغم تمام کوشش‌هایی که گردند، سالن یک دست نبود و شماری از مخالفین نیز درون سالن راه یافتند. تعداد جمعیت را تا ۵۰۰ نفر ارزیابی می‌کنند.

بیرون سالن در یک گوشه از چمن حزب کمونیست کارگری تا ساعت ۲ بعد از ظهر به اکسیون خود ادامه داد، یکی از شعارهای آنها به شیوه عملکرد سازماندهان می‌گفت: «آیت الله نیرومند، شغل جدید مبارک» و ... در قسمت شرقی چمن نیز کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - برلین و اتحاد چپ سوسیالیستی ایران - برلین نیز اکسیون اعتراضی داشتند. از پشت بلندگو اطلاعیه کانون نویسنده‌گان ایران در تبعید را خواندند، موزیک‌های محلی پخش می‌گردند و پیام‌های پشتیبانی سازمان‌ها و گروه‌های مختلف را باز می‌خوانند. جلسه بدون درگیری به پایان رسید.

برلین ۱۷ آپریل ۲۰۰۰
میهم روتا

بحran گفتار در ایران امروز

... مردم ایران در جنبشی خود انگیخته، در میان محدودیت‌های موجود، در دوم خرداد ۷۶ با طرد یکی از دو نامزد که مظہر نظام سیاسی و نابسامانی‌های رایج گشته بود، تمایل خود را به تغییر وضع موجود ایراز کردند. در این مقطع با آن که گفتار تهاجم فرهنگی همچنان دوام داشت، خشونت و قتل دگراندیشان نیز به شکلی عربان تبلور یافت و نشانه‌ای از پندپنیری در ساختار قدرت سیاسی مشاهده نشد. بخشی از بدنه‌ی نظام که در اندیشه‌ی نجات جمهوری اسلامی بود به فکر افتاده که نه تنها با استفاده از مجال انتخاب رئیسجمهور جدید رهبری مردم را به دست گیرد، بلکه به بعد اندیشه‌برداری، گفتار و حتا واژگان مخالفان ریزیم را از آن خود سازد و از این راه آنان را از روقن بیننداد و نوع تازه‌ای از اتحصار را، این بار در پیشنهای گفتار و آزادی خواهی به راه اندازد. این گروه که این بار خود را دوم خردادی نامید، در سکوت از گذشته‌ی خود فاصله‌ی گرفت و امر دفع از خط امام و ولایت فقیه را به عهده‌ی چنان دیگر انداخت. در این مقطع هرگونه شفاقتی در حوزه‌ی فرهنگ گفتار از میان رفت و جامعه‌ی انانو ایهام آفرینی‌ها دست به گیریان شد؛ از مدرنیته که تا حال صیغه‌ای غربی و بیگانه داشت سخن رفت، از نوادری اجتماعی و فرهنگی که امری ناپسند به شمار می‌آمد به شدت دفاع شد، از منافع ملی و از ایران که تا کنون به معنای دوری جستن از اسلام می‌بود با حرارت شکفت آوری محبت به میان آمد و تساهل و مدارا که تجلی لیبرالیسم به حساب می‌آمد با تفصیل و شرح و بسط فراوان در معرض تبلیغ قرار گرفت...

...نقض اجتماعی باید در انتظار این گروه بنشیند؛ باید بتواند خصوصیات دوران گذشتی را و به ویژه رفتارهای این گروه را در معرض سنجش قرار دهد و چنیش اصلاح طلبانه را اعتلاء بخشد و به مسیری ماندگار بیننداد و دوم خردادی‌ها را وارد کند که از سطح گفتار برداری و گفتار سازی بیرون آمده و با عمل مشخص اجتماعی صحت و صداقت سخنان خود را به اثبات برسانند.

کار گفتار برداری و گفتار سازی، امروز به جای ریسیده است که جامعه‌ی ایرانی دیگر نمی‌داند چه کسی از چه فکری و از چه فرهنگی پیروی می‌کند؟ چه کسی خواستار چیست و از چه چیز گریزان است؟ اگر در آغاز انقلاب، اسلام خواهی حد فاصل اسلام گرایان با دگراندیشان دانسته می‌شد، در حال حاضر هیچ خط متمایز گذشته‌ای میان طرفداران نظام و مخالفان نظام به چشم نمی‌خورد. اغتشاش گفتاری به حدی رسیده است که از هر نوع اندیشه و هرگونه‌ای از اپوزیسیون، در بدنه‌ی نظام حاکم شبیه سازی شده است و هر شکلی از اصالت از میان رفته است، این آشناگی معنایی را در اصل هواخواهان دوم خرداد به بار آورده...

...اگر در آغاز انقلاب گروه‌هایی برای عقب راندن چپ‌ها از صحنه‌ی انقلاب به تندروی دلستگی نشان می‌دادند، حالا همه‌ی بدنه‌ی نظام سیاسی به شبیه‌سازی روی آورده و هویت خود را در قبال حفظ قدرت به حراج گذاشته است، کسانی که با تولید و عرضه‌ی برنامه‌ی تاشایست «هویت» بورشی گستردۀ به دگراندیشان را تدارک دیدند و با افتخار از هویت خود باد کردند، امروز با دست‌اندازی به هویت همان دگراندیشان، از هویت خود چشم پوشیده‌اند و در بازار مکاره‌ی شبیه‌سازی خود را در اینبه جمعیت گم ساخته و پنهان کرده‌اند.

سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی که در آغاز تحت لواج چهانی ساختن اسلام تعاملی جامعه را به بند کشیده بود، سپس زیر پرچم مبارزه با تهاجم فرهنگی به طرد دگراندیشی روآورد و حالا با از آن خود کردن گفتارهای دگراندیشان به حذف و طرد آنان می‌اندیشد. امروز در جمهوری اسلامی فقط سکه‌ی تقلیلی در گردش است. اگر از فنیتیسم پگویید، فنیتیسم‌های اسلامی در تقابلان فرار می‌گیرند، اگر از حقوق پسر بگویید، سازمان حقوق پسر اسلامی سینه سپر می‌کند، اگر از مدرنیته بگویید، اینان پرچم مدرنیته را به اهتزاز در می‌آورند و چنانچه بخواهید بگویید پست مدرنیست هستید، برای دوران پست مدرنیسم اسلامی بپراهن چاک می‌کنند. ایران خواهی و ایران شناسی و تدبیر ایرانی که از ویژگی‌های ملی گرایی و نژادپرستی معرفی می‌شود، آن قدر هواخواه و انجمن و تشکیلات پیدا کرده است که تشخیص درست و تادرست را اگر نه محل، که دشوار و دور از دسترس ساخته است...

... دوم خردادی‌ها به دیگران می‌گویند بگذارید ما به جای شما سخن بگوییم، ما فرزندان همین نظام هستیم و بهتر از شما می‌دانیم چگونه باید عمل کرد، دگراندیشان که روزی در خور مرگ و تحریر بودند، اکنون به عنوان صغار باید عنان اختیار خود را به این رهبران باز رسیده بسپرند تا بتوانند به حیات خود در پرتو اطف آنان تداوم بخشد، اینان در روزنامه‌ها و نشریات اتحاصاری خود نتش اپوزیسیون را به دست گرفته‌اند و هرچه را بخواهیم، با اندکی تغییر خود بزیان می‌آورند و بسان دلاوران سینه جلو می‌دهند و ما را پشت سر خود می‌گذراند، رهبران باز آرایه‌ی گذشتی از عهده‌ی هر کاری برمی‌آیند، حتاً زحمت قهرمان سازی را برای کل جامعه و روشنگران متحمل می‌شوند...

... جریان اصلاح طلبی دوم خردادی با تأثیده انگاشتن کوشش‌های نیروهای اصلاح طلب در بیست سال گذشته، سعی دارد تذکر و عمل اصلاح طلبانه را منحصر به خود کند. این رفتار به ناچار در محدوده‌ی مذهبی محصور خواهد ماند و به سرعت توان بالندگی خود را از دست خواهد داد. دوم خردادی‌ها با سوار گشتن بر امواج اجتماعی به مهار این امواج توجه می‌کنند. اینان هنوز مرعیت سیاسی و اجتماعی خود را از قم می‌گیرند و به مردم نقشی محدود در چارچوب وضع موجود و امنی سپرند. مردم و توهدها در جهت ایجاد امواج اجتماعی به کار می‌زنند، روشنفکران باید به صورت توجیه کننده‌ی اعمال دوم خردادی تجلی کنند، نه پیشتر و نه کمتر ...

... گرچه گفتار گسیختگی سراسر جامعه‌ای ایران را دریغ فرته است و گفتارهای کنونی با عنصر دستیابی به حقیقت بیگانه می‌نماید، با وجود این، همین گفتارهای کاذب کنونی دگرگوئی‌های در خود توجهی را موجب شده‌اند؛ تغییر پدیدار شده است، اما این تغییر نه توان حفظ خود را دارد و نه بنیادهای پایدار برای جامعه‌ای ایران بوجود آورده است. کسانی که با لکر اصلاح نظام کنونی به میدان آمدند، سرانجام به شیوه‌ای بحران را مجموعه‌ای این نظام را سست و لرزان می‌سازند و راه را برای طرد بنیادهای شکل دهنده این نظام هموارتر می‌کنند. اندیشه‌ای اصلاح طلبی که در اصل به دگرگوئی‌های تدریجی امید می‌بندد، در عمل به ضد خود می‌چرخد و چه بسا که به دگرگوئی‌ها و تحولات ریشه برافکن بینجامد ...

... روپارویی دو فرهنگ کنونی در ایران، سرانجام به پیروزی فرهنگ عرفی می‌انجامد. به همین سبب است که معتقدم جریان روشنفکری دینی، جریانی گذر است. روشنفکری دینی و استطاعه‌گذار از فرهنگ دینی به عرفی برای کسانی است که روزگاری به امید رستگاری انسان‌ها به مدد دین دست به قیام زدند. این روشنفکری نیز امروز بر بنیادهایی لرزان قد برافراشته است، به امید نجات حکومت دینی سریر گشید، اما از یاد برد که ساختارهای نظام کنونی در خود نجات نیستند. تنها با تغییر اصولی این ساختارها و چشم پوشی از آنهاست که امکان گذار سالمت آمیز به گونه‌ای دیگر از حکومت فراهم می‌آید ...

... در حالی که زیست- و آرمان‌های فرهنگی مردم در عرصه‌ی آموزش، هنر، تفاشی، سینما، هنرهای تجسمی، معماری، شهرسازی و موسیقی با سیاست‌های فرهنگی حکومت در تضاد است، چگونه می‌توان به نجات چنین نظامی امید بست؟ اگر درست باشد که نظام کنونی با پیروزی فرهنگ دینی به قدرت رسیده است، به این اعتبار می‌توان گفت که همین نظام بر اثر نیرومند گشتن فرهنگ عرفی زمینه‌های بقاء را از دست خواهد داد ...

... روشنفکری کنونی هم که طیف گسترده‌تری از اهل فکر را در قیاس با روشنفکری چپ دربرمی‌گیرد، به علل مختلف همه‌ی گفتارهایش و اسپرده است، گچ است و گمگشته و توان بازیابی خود را از دست داده است. گفتارهای تند پیشین هم به گفتارهایی مهم و مضطرب چاپسپرده است و توان تولید گفتاری مستقل و متایز را نیز از بیم اتهام کارشکنی در روند اصلاحات از دست داده است. کانون نویسنده‌گان نیز در گیرگردنی تایلات عده‌ای روشنفکری کنونی ایران نیست؛ نه اندیشه‌هایی بر جست طرح می‌کند و نه گزینه‌ها و آلت‌ناتیوهایی شایسته ارائه می‌کند، روشنفکری از عرفی در اینجا و آن‌جا عقايد و باورهایی را انشاعه می‌دهد و هنوز تبدیل به یک جریان سازمان یافته و تیرومده اجتماعی نگشته است.

در دورانی که بحران گفتار از هر سو سربرآورده است، مهم‌ترین وظیفه روشنفکری پرهیز از موج سواری و موج سازی و اتخاذ بیانی روشن، ساده و درون‌زاست. از این گذشته روشنفکری عرفی باید بر سر موضع عرفی خود اصرار بورزد و از ظواهر و ابهام آفرینی‌های رایج دوری بچوید. آینده‌ی ایران در گرو پیروزی اندیشه‌های عرفی است، روشنفکری باید بتواند از آزادی و جذاب به دفاع برخیزد و به چنیش‌های خودانگیخته ارج بنهد و خواستار برای ایشان تشکل‌های مدنی از درون چنین چنیش‌هایی باشد. دلیلستن به تشکل‌های مدنی صوری و حکومتی به نی حاصلی می‌انجامد و جامعه را بر بنیادهایی سست و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد ...

«از نگاه من ایران بعد از انتخابات مجلس ششم گرفتاریک بحران جدی در حوزه قانون‌گذاری خواهد شد. مطالبات مردم ایران بسیار جلولتر از شمارهایی است که مدافعان جریان اصلاح طلبی در ایران به آن توجه می‌دهند. این مطالبات چنان است که ضرورت داوری و بررسی عملکرد حاکمیت را نه تنها در ده سال گذشته، بلکه در پیست و یک سال گذشته امری لازم نموده و مردم ایران چنین توقیعی از جریان اصلاح گرایی در ایران دارند.

مردم ایران به جریان تقضی حقوق بشر در پیست و یک سال گذشته و تقضی حقوق مجلس، توقع دارند که مجلس ششم بازنگری دقیق در قوانین ایران موجبات تحقق بخشیدن به شعارهای اصلاح گرایی را به صورت قوانین مدون و لازم‌الجرا فراهم سازد.

در حال حاضر قوانین ایران به شعار ایران برای تمام ایرانیان و دست نهادن بر حقوق مخالفان و مشارکت همه مردم ایران بهخصوص طیف وسیع سکولار در ایران از مشارکت وسیع آنها در حیات سیاسی و اجتماعی کشور جلوگیری می‌کند، این قوانین در حوزه مطبوعات، در حوزه آزادی بیان و نشر، در حوزه زنان، در حوزه غیر مسلمانان، در حوزه دگراندیشان، در حوزه متهمن سیاسی و مطبوعاتی نیاز به بازنگری دقیق دارد. مجلس ششم قانون‌گذاری ایران ناگزیر است اگر بخواهد صادقه و در جهت تحقق شعارهای اصلاح گرا اقدام بکند،

Moghajat تغییر اساسی در این قوانین و اطباق آنها را با موازین حقوق بشر فراهم سازد.
اما، به لحاظ ساخت حقوقی و سیاسی که ما در آن پسندی برپیم، هرچه گفته‌تم درونی است و خواستن است، توائینست نیست. زیرا به موجب اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید تمام قوانین و مقررات در اطباق با موازین و مبانی اسلام باشد. نظر به این که قوانین تعریف واحد و منسجمی از موازین و مبانی اسلامی ارائه نداده است، در نتیجه مجریان قوانین می‌توانند هریک به طریقه خود و بنا به مصالح چنایی و سیاسی تعریفی از مبانی اسلامی و مبانی فتیه ارائه بدهند، که در بسیاری موارد با اصل آزادی‌ها در تعارض قرار می‌گیرند.

بنابراین آسان نیست برای مجلس ششم که به مطالبات وسیع مردم در امر قانون‌گذاری پاسخی مشبّت بدهد. در تبیّحه ما در ابتدا شاهد بحران‌هایی در حوزه قانون‌گذاری کشور هستیم و مکانیزم قانون‌گذاری و مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی متأسفانه مکانیزم و نظام پیچیده‌ای است که مشکل‌ساز است.

بنابراین در مجلس ششم قانون‌گذاری مواجه خواهیم شد با مسائل عده‌ای مانند ضرورت بازنگری در قوانین خشونت‌آمیز بهخصوص قوانینی که حقوق زنان - نیمه‌ای از جمعیت - را تضعیف می‌کند و در مواردی که شهروندان را به درجات مختلف تقسیم می‌کند و حقوق شهروندی مساوی تأمین نشده است.

با توجه به این پیچیدگی نظام قانون‌گذاری کشور است که ضمن آن که حوزه قانون را بعد از انتخابات مجلس ششم بحرانی تصویر می‌کنیم، اما امیدواریم که از یک مکانیزم مشبّت که در آن قانون وجود دارد و عبارت است از برگزاری همه پرسی در مواردی استفاده بشود و موافع حقوقی از پیش پای اصلاحات در کشور برداشته شود.

«... انتخابات مجلس ششم به رغم کنار گذاشته شدن بخش عظیمی از نیروهای اجتماعی طرفدار اصلاح و تحول دوچیز را نشان داد؛

- ۱- مردم ایران آشکارا نوع و شیوه حکومتی بیست ساله‌ای را که تا امروز انجام شده خوب نمی‌دانند و آن را بر努ی تابند.
- ۲- آشکارا طرفدار ترازی و تحول اساسی در شیوه حکومت هستند.

اگر بخواهیم با حرکت از انتخابات مجلس ششم، چشم‌انداز ایران را نگاه کنیم، حقیقت این است که این چشم‌انداز پیش از انتخابات ریاست جمهوری آغاز گشته است و آقای خاتمی در واقع این جنبش را به وجود نیاورده، بلکه ایشان در واقع خود مغلول این جنبش بوده که پیش از این در ایران وجود داشته است و این جنبش در داخل، قدم به قدم می‌خود را بر تهمی سیمای جامعه امروز مازده است. این جنبش بسیار فراتر از توان و قابلیت چهره‌های شاخص ملی، نهادهای رسمی و نیمه رسمی ایران است ...

... جنبش ایران از یک طرف از سوی نیروهای استبدادی و مختلف آزادی شدیداً تحت فشار است. من تصور این است که در خارج از کشور آن گونه که باید این خطر نیروهای ارتجاعی و واپس گرا حس نمی‌شود. و از طرف دیگر مشکلات درونی است که در درون جنبش اصلاح طلبان و به ویژه خود نیروهای اصلاح طلب حکومت دارند.

اگر اصلاح طلبان امروز نتوانند واقعیت حرکت مردم را در کنند و تاکید می‌کنم که اگر نتوانند یک پروژه سیاسی برای شرایط فعلی بیانند، پروژه سیاسی که در قد و قواره این حرکت رو به رشد باشد، بیشک مایک بار دیگر دوباره دچار آن چرخه تاریخی خواهیم شد یعنی چرخه استبداد، انقلاب ...

... اما این جنبش به رغم تمام صلاحیت‌ها و اعتباراتی که دارد از تناقصات و اشکالات ساختاری بعضًا مهمی برخوردار است که در واقع باید به اینها توجه نموده و آنها رفع نمایند. وظیفه امروز روشنگران ایران در این جنبش به پرسش گرفتن سنت خودش و نهادینه کردن تقد و گسترش آن در حوزه عمومی و رواج دادن خود به عنوان شالوده نظام فکری جامعه است.

خطری که در واقع امروز بخشی از جریانات روشنگری را تهدید می‌کند، طرفداری از نوعی دمکراسی نخبه‌گرایانه است که در واقع به دمکراسی نوین گرایان یعنی خود آنها منجر خواهد شد. پیروی از تکرر ضد دمکراتیک خودی و غیر خودی از جمله مشکلاتی است که به صورت جدی در بخشی از جنبش اصلاح طلبی وجود دارد ...

... دیوان سازاری مایک دیوان سازاری کهنه و ناکارآمد است که یک ساخته صد ساله دارد. من بدون آن که بخواهیم مشکلات آقای خاتمی را کتمان کنم و با توجه به این که او به عنوان ریاست جمهور براساس قانون اساسی اختیارات چندانی هم ندارد، حقیقت این است که دولت باید اگر بر عنوان دولت اصلاح طلب می‌خواهد عمل نماید، باید به صورت جدی در ساختار اداری و مدیریت کفوف یک بازاری اساسی صورت دهد و به طور جدی از جنبش اصلاحات دفاع کند ... حقیقت این است که در ایران امروز دوره مشارکت شناور و فاقد سازمان که در جهت تعحیم یک حکومت و بنا به خواست رهبران سیاسی انجام می‌شد، دیگر به سر آمده است، و ناکارآمدی آن را مردم در حرکت خود نشان داده‌اند.

امروز مشارکت مردم تنها و تنها در چیزی توسعه سیاسی و آزادی خواهانه مفهوم پیدا می‌کند. از همین‌رو اگر مجلس بتواند در راه تحقق توسعه سیاسی و شکل‌گیری تقویت نیازهای مدنی و سیاسی به شکل مختلف در قالب حزب و سازمان اراده جدی نشان بدهد، و میهم ترین وظیفه خودش یعنی دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی ایران را انجام دهد، می‌شود در واقع امیدوار بود که راه برای توسعه روابط ما با کشورهای جهان و گشایش اقتصادی و بیرون رفتگی از بحران امروز جامعه وجود دارند.

ما به خوبی آگاه هستیم که در جامعه، دوران گذار ما از مرحله سنت به مدنیت، بحران، بخش تفکیک تا بنییر داشت. بهخصوص زمانی که کلیه قشرها و طبقات اجتماعی به صورت فعال در این دوران گذار در گیر شده‌اند و لایه‌های سنتی جامعه در هرم قدرت جایگاه ویژه‌ای دارد و هم‌چنین ما دانیم تا رسیدن ساختار دمکراتیک هنوز خیلی فاصله داریم، اما برای ما مهم روند دمکراتیزاسیون است که امروز در جامعه ما فراز و نشیب‌های فراوان و مخاطرات فراوان را به گسترش است و در تمام مجددات فکری ما تمام کوشش ما روشن کردن مختصات این روند دمکراتیزاسیون است .»

کنفرانس تدارکاتی سفرخانه به آلمان بهم خوردا!

کنفرانس سه روزه برلین دعت عنوان «ایران پس از انتخابات پارلایان»، و بنامیم رفم در جمهوری اسلامی^۱ که بدغیرت حزب سیزه‌ای آلمان تدارک دید شد بود در شهر برلین برگزار شد. در دویز دوم کنفرانس، بدلیل اعتراض و مبارزه صفات از آزادیخواهان و مبارزان هند جمهوری اسلامی، این کنفرانس به تعلیق گذاشتند. مترافق شدن این کنفرانس پیرگزار می‌برای جشنی بیشیدان خارج کشود مخصوص می‌شود، در این روز طبق آنکه پیش از مبارزان بر علیه جمهوری اسلامی خارج از سالن آگزینن پیرگزار می‌گردند، داخل سالن نیز بصحنه تظاهراتی تدریستند علیه عوامل سرپرده و رسایی دویم همچون آفریند شکری، چلپن پور، گنجی و دیگر عوامل رئیسی که در صفت جلوی سالن نشسته بودند تبدیل شد. پهنهای سختی‌گران آفریند شکری که سعی می‌کرد با عوام‌خوبی خاص ملایان ارض ایران را بهبود یافته و در آستانه دمکراسی و استقرار جامعه مدنی تلمذاد کند و از اسلام مدنی سخن می‌گفت، خشم صدعاً نتن از ایرانیان مبارزی که در مalan حضور داشتند به اوج خود رسید. مردم با مشاهده این آفریند که سیل رژیم جنایت پیش و ستگر جمهوری اسلامی می‌باشد با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، ملا برو گم شو، مزدود برو گشتو، زندانی سیاسی آزاد پاید گردید، شکجه و اعتماد نابود پاید گردید؛ آفریند فریگار را فراری دادند.

گردانشگان کنفرانس با مشاهده خشم غمین عوامل سرپرده و رسایی که شرکتند تا با انتقامی زمانی محدود برای برخی از نایاندگان معتبرین داخل سالن، شیادان بهره‌گیری کنفرانس را ادامه داد، و نایاندگان اپریسینه را در کنار مرتعین چنایگار و رسایی همچون جلاس پور که حکم اعدام بیش از ۵۰ نفر را در زمانی که فرانسه نظامی مهاوار شدند و برای باسط شایدی و رسایی خوش شروریت پختند و این را بینان دمکراسی و اصلاح طلبی جمهوری اسلامی جایزند اما نیروهای مبارزی به سیاست قرامش کنید و عنو کنید، بار و دیگر نه گفتند و این خدنه گردانشگان کنفرانس را پایل نمودند.

در این میان جمعی از تردد ایها و اکتشافی هایی که بارها و بارها تکرر کردند که همیست چنایگاران جمهوری اسلامی هستند خواهان اداء کنفرانس و پیشبرد سیاست سازش با مزدودان جمهوری اسلامی بودند که در شکجه گری و چنایت و سرگوب ید طولانی دارند. آنها و تیجانه همچون اربابان چنایگاران معمشی را که بر علیه جمهوری اسلامی شعار مدنی دادند، چنان‌دان و دفتر از حزب الله نامیدند. و برای مرتعین همرا می‌گشندند و دست می‌زوند. آنها مرتعه می‌گردند که ناید خشوت کرد و باید شکجه گران را بخشید. مرعن این جریانات، هند مبارزات انتلیا تردد هاست که خواست سرنگونی فهرآمیز جمهوری اسلامی را دارند. زمانی که تردد های برای در یک نقطه ایران خوش شدید می‌گشندند و نهادهای جمهوری اسلامی را به آتش می‌کشند؛ این هستیان جمهوری اسلامی سیاست تسلیم، سازش و دریوگری و تبلیغ می‌کنند. آنها گفتند و نایاندگان جمهوری اسلامی را خواهند کردند که پیشتر بتوانند مردم را سرگوب کنند.

اما اشغال امپریالیسم آلمان، جمهوری اسلامی، تردد ای، اکتشافی ها و طرقیاران لیبریان «دمکراسی» در این مبارزه و روایه عالی مبارزین محبوب به عقب نشینی شد و گردانشگان کنفرانس محبوب شدند ختم کنفرانس را در دویز دوم اعلام کردند و در پشت درهای پسته با نایاندگان دولت جمهوری اسلامی تدبیری داشتند. کنفرانس که تزار بود را بطری امپریالیسم آلمان با رژیم مرتعی جمهوری اسلامی و گسترش پیشند و با اعلام پیشود وصیت در ایران به پیش مبارزات ره به اوج ستدیگان و زحمکشان در ایران خاک پیشاند، خود باعث اشای بیشتر گردانشگان و مرتعین با مسلک دمکراسی رفته و حمایان امپریالیستیش شد.

خراب این پیشنهاد شریعت به تفاوت متفاوت چنان و از جمله به ایران مخابره شد و میزون از خشحالی را ذر میان تردد های مردم دامن زد؛ آنها با غرور گشتن، کسانی هستند که فربی چهار نایاب های جمهوری اسلامی را نیز خودند و خواهان لیبریالیا و سازشکاران را نیز پاشند شد. بعنوان مثال «روا کارکر» با اشاره اطلاعیه ای با تشریف «بر هم زدن این پیروزی از جانب دیگر داد و نهان لیبریالیا و سازشکاران را نیز پاشند شد. بعنوان مثال «روا کارکر» با اشاره اطلاعیه ای با تشریف «بر هم زدن این پیروزی را محکوم می‌کنند» حرکت آشیانی نایاب معتبرین داخل سالن را «جامانداری» نام نهاده و اعلام کرد که «با هرگزون حرکت مشغول طبلانه» مخالف است. البته روزی سخن این جریان صرف حلء به روایه مبارزه جویانه و آشیانی نایاب معتبرین این مبارزه نیست. این دو واقع توصیه است به تردد های ستدیده که در مقابل خشوت و قدر هند انتلیا مرتعین از قهر انتلیا پیویش کنند. این احاطات و دریویت در واقع چیزی نیست بلکه پرگارند ترم و خیال‌پانی در مرود سرنگونی رژیم از طبق مسالت آسیز و بازداشت تردد های ستدیده و دستکش از اتفاقات و فتیمان را دیگر دارند در زندگیان. خلخ سلاح کرون انتلیا در مقابل جمهوری اسلامی با سیاست «مبارزه بدن خشوت» در واقع از سیاست‌های استشکه جمهوری اسلامی موافق آن است و ریشه را برای سرگوب و عوامل‌خوبی پیشتر آن باز می‌کند، این سیاست که جبهه دارد بزرگ‌دار آن میباشد بر روی برخان از نیروهای از لحاظ طبقاتی متزلزل. تاثیرات خود را شناس می‌دهد.

ما دوییم که گزند که پیش آلمان و حزب سیزه‌ای آن هرها با عوامل جمهوری اسلامی و تردد ای، اکتشافی ها و نیروهای سازشکار مددح سویا در دمکراسی رفته با پکار بون «دمکراسی» در روز اول کنفرانس در تقریباً از معتبرین را مرود حمله تزار دادند و در روز دوم یک نفر را دستگیر گردند و در روز سوم کنفرانس با بازجویی و استفاده از شکردهای اطلاع‌های شناسایی و پخش کارت بین افراد تایید شده، در تعیین شرکت گشتنگان در کنفرانس این «دمکراسی» را بیاد کردند. اما علی‌عین این سیاستها، نیروهایی که هند گلیت جمهوری اسلامی هستند به طرق مختلف توانستند که هم در داخل سالن و هم در بیرون از سالن به اشکاری و شمار دادن بر علیه جمهوری اسلامی اداء دهند و در روز دوم، کنفرانس را متوقف کنند.

این مبارزات بتعلق به یک نیروی سیاسی به تهیانی نبود. نیروهایی که هند گلیت جمهوری اسلامی بودند بعدی پخصوص در واپطه با سفر خانش تردد های در ایران بر علیه گلیت جمهوری اسلامی هم صناشد و دستاره این مبارزات ذخیره ای است برای مبارزات توائیستند در این مبارزات که تزار است بزودی به آلمان بیاید.

پاییش از هم اکثر اهداف ارجاعی امپریالیسم آلمان و جمهوری اسلامی و سیاست‌های جامعه مدنی و «دمکراسی» و غیره را انشا، گنیم و خود را برای مبارزات پرورکنی که در راستای دفاع از مبارزات تهرآمیز تردد های زستکش علیه استشمار، جنایت، تقری و ناگفت جمهوری اسلامی و امپریالیسم است آماده کنیم.

ما باید از هم اکثرین مقدمات مبارزه علیه سفر خانش به آلمان را با سچیج تردد، های ایران و آلمان و سایر ملیتها تدارک بینیم و زمنده تر باد مبارزات تردد هایر علیه جمهوری اسلامی

سرنگون باد جمهوری اسلامی و اریابان امپریالیستیش ا

زنده باد اتفاقات زنده باد گمتوپسرا

هواز اوان اتحادیه کمونیستهای ایران (سرپدازان) - ۱۰ اویل ۲۰۰۰

بعد از کنفرانس بولین: صفت‌بندیهای جدید

مرزهای اخیر، برلین حسته روزگارش داغ کسنتها را آزادگرانهان از یکطرف و مرتجلین و رایسکرایان اسلامی از طرف دیگر بود، این کوشش‌ای از تقابل برس خواست و نخواستن جمهوری اسلامی، دنتها پیش درآمدی، به تقابلیهای رسیتر در داخل ریاض ایران نست. در این روزگاری، کمیتتها ر مردم آزادگرانه مخالف رئیس، سیاست کنار آمدن با جمهوری اسلامی را منتصحانه شکت دادند. کمیتتها از همان تربیت به جهانیان اعلام کردند که مردم از این رژیم مستظرتر از آنند که بشود مقابله‌شان، آنها در خارج کشند، پامنیری آفریند و شکنجه کردند. در مغز کردن طرفداران جنبش درم خود رفوت کردند که اگر می‌خواهند فتن پیشگیر و نازه، آصلاح طلبی از ایران دعوت کنند، باید پیش از پنج‌ماهی ملک نشند.

این یک لنتخان سیاسی برای طرفداران ریکارک رژیم دیگر پیروزی شیرین نگیر پسردن جمهوری اسلامی است. برگزاری مرفق این کنفرانس از جایگاه، منسی در محاسبات سیاسی و دیپلماتیک برای دولتهای ایران و آستان، و عیننظار آینده اپوزیسیون طرفدار رژیم، برخوردیار بود. اما این محاسبات بهم برخورد را ازین عکس العمل های هیئت‌نوب کمیتتها و معتقدین، ملاحتی ضد مخصوص اینها را بی‌ملکی و حصف‌بندیهای سیاسی پیشتر حدیث روانشان داشتند. جزیمات انتیتی - توده‌ای، محاذل امیدوار به خاتمه مانند راه کارفر و اتحاد دادایان، مشروطه خواهان و ملیون، روزنامه‌های درم خردادران در داخل مانند عشر آزادگان، فتح، گیلان، رسانه‌های دست راست فارسی زبان خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، همزمان و بحث‌با یک‌لعن و استدل، کمیتتها و مردم مخالف جمهوری اسلامی را محکوم کردند. این در حالی بود که مردم ساخت رژیم اسلامی را آزادگرانه در ایران را خارج رسمی خوشحال شدند. برگزین اشتبا، خواهد بود اگر کسی این تزویجی‌ها ب رویم اسلامی را مسئله‌ای تاثیرگذاری و یا روشن بداند. این اشتراک در اینجا سیاسی است که در مفاطعه تعیین‌گشته‌ای پشچار افراد و جریانات و مرتجلین چنان‌کاری را در کنار هم فرار میدهد. بعثت از اینها که دستشان به هیچ‌جایی پنهان نیست سریل سیاسی و فکری شان مراجعت است، و سیاست برایشان امر ممکن است، فقط ترجم برانگیزند. اما پخش رسیغیری ازین شبه اپوزیسیون هر جمهوری چنایت و هر شکنجه‌گر ساقی را به کمیتتها ترجیح میدهد. اینها مخالفانشان پیشادی تر است. در اوج استیصالشان چراغی به رژیم میدهند و فحشی به اپوزیسیون کمیتتها و کارکران، ما زمان و جریان، ما مردم مخالف جمهوری اسلامی هم، اینها را حداقت‌کار می‌کنند.

مردم خشکین مخالف جمهوری اسلامی، پدرست شوانتند، چهارهای قاتل را اطلاعاتی ر شکنجه کر را تحمل کنند. این خشم تاریخی و شبیتا فابل بود است اما اذر دلایل سیاسی و جریانات مغایر طرفدار رژیم نکر می‌گشته که حزب کمیت کارگری با این شبکت هیئت‌نوب عقب می‌نشیند، امور حوانده‌اند. ما داریم به سمت دویل‌ای میرورم، که پرورنده مسیبان غل تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی در دادگاههای مردمی رزق داده شد. درم خرداییهای امثال کشیجی و حجاریان و جلالی پور، که پیشان‌کاران پی‌آزاداری و نهادهای سرکوب ر شکنجه در ایران بودند، هرگدام حدایا شایی خسوسی دارند و باید قی‌الحال پاسخگو باشند. مخالفت اینها با پاند بغلی شان در رویم اینها را در موضوع سخنرانی فوار نمیدهد. ما انتقام جو نمی‌شیم. در حکومت مردم نظر ما حتی کلیشین این جانیان اعدام نخواهند شد. اما اینها بدوا باید در یک دادگاه، عادله و علیعی محاکمه شوند و بعد از اثبات حقیقی شان را پا علی گردان دوران جرم‌شان. مانند بقیه شهروزان از حق آزادی، ر بیکدیز شرط بیان ر تقد اشاده گشته. کنفرانس برلین ر مسائل حول و حرش آن شان داد که ظاهرا جریانات درم خردای ر شخندیان جدیدشان، که علاوه در هیئت نامی رژیم اسلامی ظاهر شده‌اند، به چنگ آخرشان آیده‌اند. ما از این خطا استقبال می‌کنیم. این رویم رئیتی است. پیش‌آمد است، و ت فرصت هست، هیچ نسی و هیچ جریان خود را در کنار این مردم تاریخی فرار مدهد.

کمیته خارج کشیور حزب کمیتیت کارگری ایران

۲۰۰۰ آوریل

Carsten L. Dohm, J.S., M.A.
(U.D.S.)
P.O. Box 343,
RSF, Zurich
Switzerland

به نیروهای نیروهای چپ در بولین درود می فرستیم!

میوه استفاده حزب کمونیست کارگری اذ این نیروی را تقدیم می کنیمها

در روزهای جمه و شنبه هفتم و هشتم آبریل، مقاومت تهرانهای نیروهای چپ در بولین، دیر ضرب و شتم پلیس آلمان، با سلطه مشترک رژیم اسلامی و دولت آلمان را به هم ریختند و گفتارانی ایران پس از انتخابات مجلس^۱ را که با هدف قانونی جلوه دادن شلاق است اسلامی و تثبیت ساریه خالقی برای تامین منافع اقتصادی، آلس ان قرار بود سورت پذیرد، همان سیحل آگرد، صدها پلیس آلمان در بیرون و حد امل^{۲۰} پلیس آلمان در داخل میان، با کمک و تجهیز حزب توجه و اکثریت خان، به نیروهای چپ نهادهم گردد و سین از ایشان را به شدت مضروب گردند یا این حال، نیروهای چپ تبیینی، این آتش را درهم شکستند.

حزب کمونیست کارگری، که از جمله نیروهای نمال بود کوشید تا این مقاومت را تنهایی نام نمود اعتماد گردد و به جویب شود بیریزد، سال آنکه عمه نیروهای چپ به نگرانی در این حرکت امنیتی شگفتی آور شرکت، فعال داشتند و از جان مایه گذاشتند.

ماه ضمن عرض تبریک به نیروهای چپ تبیینی، از جمله نیروهای ای از جان گذشته کمیته دفاع از جنگش خلاص غیر اصولی حزب کمونیست کارگری برای نسایم کسردن این مقاومت تهرانهای به نام خود را تقدیم گردد و از این حزب می خواهیم نا از این روش های مبتکاریستی دست بروزد.

هرگز براستکباد -- زنده باد آزادی

شواری مرکزی گمینه دفاع از جنگش

۲۰۰۰ آبریل ۲۸

در کنفرانس پرلیون چه گذشت؟

اعتراض بی‌گیر و موفق افراد و جریانات مترقبی علیه؛ کنفرانس ایران پس از انتخابات مجلس، که توسط دولت آلمان با کمک حزب سپزها، بنیاد هاینریش بل و دست یاران ایران آن‌ها و با نظارت سفارت ایران در آین گشود، در برلین برگزار شد، له تنها خشم افسار گیلهنه برگزارکنندگان این سیزی ایرانی-آنسانی را برانگیخت بلکه در عین حال تضادهای درون حاکمیت اسلامی را نیز بطریزی ساخته‌ای تشید نمود، این به خوبی نشان می‌دهد که انتخابات نیروهای مختلف رژیم به خوبی به اهداف خود می‌پوشند بر خارج گردیدن جنایات درون رژیم از تصادی کشیده برگزارکنندگان جلسه در میان ایجاد آن هستند، رسیده‌اند، برخلاف نظریتی که سازش با جانش از رژیم و تقویت آن را دامنه‌دار از تضادهای درون حاکمیت، قلصاد می‌کنند، مبارزه علیه حاکمیت اسلامی در کامبت آن، مؤثرترین شیوه سرای افشاری جمهوری اسلامی استند در این میان اما تبیه کنندگان برنامه‌های فارسی زبان رادیوهای گذشته‌های باصلح آزادی با تحریف و اتفاقات و سیزدهن میکروfon به برگزارکنندگان این نهایی، بدون وادن گذشتن امکان به مخالفان رژیم برای ابرار نظر، آتش بیار معرفکه‌ای رژیم اسلامی علمه ایولویسیون خارج از کشور شدند.

اوج افشارگری‌های مخالفان رژیم اسلامی عمل متهورانه یک قرن بازیگر اثیر ایرانی در گذیده بود که با تیشه برهنه هدن به این‌جهه جنایت جمهوری اسلامی و قاتم مدافعان ایرانی و آنسانی آن، پاسام وجود به اعتراض پرداخت، نهان دادن آثار شکنجه بر بدین برهنه دو زمانی سیاسی سایق شکنجه‌گاههای رژیم نیز دلایل اکثر لایدیر در سوره پربریت رژیم عرضه کرد.

بروازه، با عمل شجاعانه خود در واقع بطور همه جانبه‌ای نظام اسلامی، طرفداران رنگارنگ، آن و فرهنگ ریا و لزویز را بیاد خمله گرفت، تاثیری که این اقدام بروانه بر جای گذاشت را، ملاوه بر انتی‌شخص تحسین بخشن و سیمی از شرکت کنندگان در جلسه، منوان از برخورد بمردمانه‌ای که برگزارکنندگان جلسه و بررسی جریانات و افراد که فعلاً طرفدار خائی و اصلاح طلبان اسلامی شده‌اند، دریافت، این گونه اذمات لایحه‌سازی که در میان نیروهای سترانی اروپا، یعنوان یک حربگت سیاسی انتارطی مرسم است، نزد سایر این‌ها که تابوهای قید و بندنهای مذهبی سیاسته سنگین خود را بر رفتار و کرداران امکنده است، هنوز جایی ندارد، در حالیکه، در شرایط ویژه‌ای از قبیل آنکه بر کنفرانس پرلین حاکم بود، این گونه عملیات یا سیاست موقتی است که یک انسان مسترانه که تنها دشمنان توپیه ترور و انتقام حاکم بر ایران برای تأمین صالح انجسارات آنسانی است، جبل کند، فراموش نکنیم که دولت آلمان، سفارت ایران و مزدیگیران ایرانی آنها با تأمین هزیله‌های سنگین و یا کم‌تر مصالی انجساراتی چون مرسدس بزر و فراهم کردن امکانات تبلیغی وسیع، از جمله فراخواندن گردانندگان رادیوهای فارسی زبان از اطراف و اکتفا سمعان از یکسو و تدارکات گسترش امکانی از طرف دیگر، کوشیدند که در تمام زمینه‌ها انتشار معالان را خلیه کنند، بنابر این شکستن جو سنگین و موافقی که برای منفرد کردن مخالفان پتکار گرفته شده بود، جز از طرقی یک‌هشی جسدی افشارگرانه اسکان یزدیر نبود، درست در همین رابطه است که ارزش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اعضا این شجاعانه بروانه نمایان می‌گردد، بهر روز، ناکامی و ملتقط شدن کنفرانس برلن، درسی آموزنده است به دولت آلمان، سران جمهوری اسلامی و مزدیگیران ایرانی آن‌ها تا بدلاند که لیروهای منطقی، ایولویسیون خلد رژیم اسلامی نفواهند گذاشت دولت آلمان با پذیرایی از سران جنایت‌کار جمهوری اسلامی بر سر منافع و مصالح مردم پاپند گشیده ایران، شامله کند!

در پاره افتضاح برلین

موفق شدنکه با بدهم زدن جلسات، مانع از تبدیل سینما به محل آگاهی گردی توسعه واه گارگر و دیگر تبروهات گشونست، چه، متوفی و آزادی خواه را دیگر شوئند؛ موفق شدن آذربایجانیها در پاره سرگوب حق بیان مخالفان در روزه مخفی، معرفی کشند موفق شدنکه نات کنند که فقط در روزه اسلامی است که اشاره حزب الله هر قرشان را با بدهم زدن تخدمات و سخنرانیها و تفرض به حق بیان مخالفان می‌زنند با لخت هادرازه شدن در اجلس، موفق شدنکه توارث خوشان را با بسیجی های شنبه به نایابش بگذارند؛ موفق شدن برای مطلعوم واقع شدن امثال جلاوس پور و کنجی توسط گشونستها و چه ها لیلیه کنند، و بعد، درحالی که این پیروزی و با پرسندا جشن گرفته بودند، پیش از مردم پیغام رسانی کردند این کنایت کاری متفقین می‌باشد، به موشه دناعی گرفتند که «اماوندیم، مردم خشمگین بودند!» و با این کار هم شناس داندگه فقط در چهارمین اسلامی نیست که آزادی سینما، تفرض به تجمعات و بدهم زدن جلسات و پیوش به خوابگاه داشتگوش را سازمان می‌دهند و بعد می‌گویند مردم بودند جوانان خون به جوش آمده بودند.

برگزار کنندگان سینما، تسبیح کردهند از روزه مخالفان روزه اسلامی به اجلس، جلوگیری کنند استحاله طلاق خارج گشوري، و تبلیغ شریف پاپی و برای شناسالی چهارها و جلوگیری از روزه مخالفان روزه را بر چهده گرفتند، تا سخنرانیها در باره عدم تحصل حق بیان «غیرخودیها» توسط شنایت گواهان در ایران، بدون خنجر غیرخودیها در آلمان ادامه یافتند.

اگر مناسنه امکان تبدیل سینما، به مکان آگاهی گردی در مورد اشتراکات املاک طلاق گذشتی لا رقیان حکومت شان و به دادوی گرفتار افکار عمومی در مورد ناگزیری سرنگونی روزه اسلامی به هدر وقت، در عرض پوچنی از مدیان این بیوڑه برای آزادی، فرمت آگاه گردی در مورد مشایعت خودشان با اشاره حزب الله و پوچنی دیگر با پیروهای انتقامی را بیندا گردند، و افکار عمومی را به دادوی در باره خودشان واداشتند.

مردم ایران برای دستیابی به آزادی های بس قدرشده می‌باشند و دو باره برای سرنگونی روزه اسلامی، ناگزیرند خوابگاران در این مارزو و حملان و پیروس آزادی سینزی را از مفکر خود بروانند. حداده برلین، در این و است آگاهی دهنده بود.

برلین که جدی ییش به دادگاهی برای همه گردن روزه ترویست جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد، این بار به سینما برای مشروطت بخشنید به همان زمان مثل گردیدند

فناگان سازمان ما در برلین گرد آمدند تا به مردم آلمان با همای طلب اعتماد کنند رژیم ایران نا آمن خانسی در راه و عایت حقوق پسر و دعکراسی تیاختاده و همان روزه «ایمیکنلوسی» است، و دولت «امسوسال دموکرات» و وزیر خارجه «اسزا» آلمان، با ادعاها های برای کنیت بیاست نکنند «پیشتر» در ایران، مشروطت چهل می گشند آلمان فرهنگ را پوشش برای استار اهداف سیاسی خود قرار داده اند که باید وینه ساز افزایش منافع اقتصادی سرمهیه داران آلمان باشد.

ما این درخواست را تقدیر کردیم که دولت شنا در پی این درخواست را تقدیر کردیم که دولت شنا در ایران جنایه های تهمیت خواه و اسلح طلب دونون حکومت ایران، سیاست پیمانی داشته باشد، می گوییم این ها در پایه ایران به شنا دروغ می گویند، جنس آزادی خواهانه مردم ایران، محسول دولت خانی و اصلاحات دولت نیست، مردم ایران، حکومت اسلامی را نمی خواهند و اصلاح طلاق حکومتی در پی اصلاحات در حکومت اسلامی بمنظور مهار گردیدن جنس مردم برای آزادی و دموکراسی اند به دولت شنا که نمی خواهد مردم ایران را در مبارزه برای آزادی از بیک روزه مخفی همراهی و پاری گشند، اجازه ندهید شنا را با پوشش های فرهنگی پنید و برای ناپسازی حکومت مخفی در پیاره مردم ایران، در اصلاح طلاق حکومت اسلامی ایران منعکس کنند.

فناگان سازمان ما اقصد داشتند دعوت شده کان از ایران را (که همیک طرفدار حکومت مذهبی نبودند) مردم پرست هاں قرار دند، تا پایان خواهی اصلاح طلاق مرقدار حکومت مخفی، به مکان شنا دعده که آن چه بیادها و پیوندها و مانع اساسی شترکی با جناح شنایت خواه روزه دارندند چه فاضله ای علیم و بربانشند، آلمان را از خواسته های آزادی خواهانه و دموکراسی مردم ایران جدا می گشند و جرا بدن سرنگونی جمهوری اسلامی دستیابی مردم ایران به این خواسته ها نامیگن اند.

حزب موسوم به «گستنیت کارگری» و عده ای هدوس و هدروش نا آن، مثل هیئت بروه زدن جلسات و آشوبگری را در بیش گرفتند و موفق هم شدند.



اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

برهمزدن کنفرالس ایران را محاکوم می کنیم

عدد ای از نیروهای اپوزیسون جلسه روز شنبه کنفوانس ایران را که توسط بنیاد هابنریش بل تشکیل شده است بوجه زدند و تکذیبند کنفرانس بکار خود آدامه دهد. با وجود اینکه برگزار کنندگان کنفرالس تربیون را در اختیار نمایندگان آنها قرار دادند تا اعتراض خود را لیست به برگزاری این نشست و سرکوب هایی که توسعه ج.ا. در طی نیست سال ضرورت گرفته است اعلام کنند، با اینهمه آنها امکان ندادند که جلسه بحث و گفتگو بکار خود آدامه دهد.

ما الدام این نیروها را برای تلف آزادی بیان و اندیشه و حرکت خشونت آمیز آنها را برای جلوگیری از برگزاری کنفرالس محاکوم میکنیم. شیوه چهارداری و قدری در داخل و خارج از کشور توسط نظر نیرویی و به هر عنوانی بکار گرفته شود محاکوم است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۷۹ مهروردهن ۲۸

با موضع جنبش به خاطر جنبش ، نمی توان رژیم جمهوری اسلامی را وسیعاً افشا کرد !

سناریوی ۱ : فیشر وزیر امور خارجه آلمان به ایران سفر می کند تا روابط دو کشور را که از مدتی پیش به حال پمپود در آمده ثابت کند، او که هنوز اندکی ادای «چپ» بودن را حفظ کرده، برای این که این اعادی شدن روابط «معقول»، «جلوه کند، انتستیتوی هایتریش بُل را واسطه قرار می دهد تا جلسات «بحث و گفتگو»ای با شرکت چند تن از طیف «اصلاح طلب»، «اعم از بورژوازی در اپوزیسیون (نظیر سحابی و اشکوری) و یا در قدرت (نظیر گنجی و جلانی پور) و تعدادی دیگر، تشکیل شود. طبعاً برای اصلاح طبلان رژیم که با شعار «گفت و گوی تهدن»ها، با پیش گذاشته و «ایرانیان عزیز خارج از کشور» را دعوت به ممکن کاری می کند و نیز دولت آلمان این امر منافی دربر دارد؛ تحقیق افکار عمومی بهخصوص پس از وجود آمدن جو پسند حاکمین بدنبال دادگاه میکتوس!

سناریوی ۲ : تشکیل این کنفرانس باعث هدمی و ارتقاء مبارزه در میان نیروهای اپوزیسیون و انجام مبارزه ای مشترک عليه رژیم نمی گردد، بر عکس به جو تفرقه موجود دامن می زند. برخی این اجلاس را تحریم می کنند، برخی دیگر تائید و تعدادی نظره گر اوضاع می شوند!

سناریوی ۳ : اجلاس تشکیل می شود. اما در روز اول به دلیل اعتراضات اپوزیسیون مترقب ایرانی و دخالت شدید پلیس آلمان، اجلاس به هم می خورد، در روز دوم، ترتیب دهندهان این اجلاس در اثر نشار مخالفین این اجلاس به آنها حق صحبت داده می شود، اما تنگ شدن عرصه به آنان باعث می شود که اعلام کنند که جلسه پیش نرفت، اما در گفت و گو همچنان باز است! در ادامه ای کار، مخالفین را به جلسات بعدی راه نمی دهند!

سناریوی ۴ : با به هم خوردن نشست برلین، «حزب کمونیست کارگری» فریاد پیروزی سر می دهد و ادعایی کند که حتا در اقصا نقاط ایران، مردم از مبارزات کمونیست ها آگاه شدند! «سازمان کارگران انقلابی» (راه کارگر) برهم زدن نشست را محکوم می کند، آن را مغایر با آزادی بدون قید و شرط بیان دانسته و «توصیل به شیوه های خشونت طبلانه برای خاموش کردن مخالفینی که دارای عقاید کاملاً متفاوت با ما هستند» را «چهاق داری» نامیده و محکوم می کند. کمیته «حزب کمونیست کارگری» در آلمان «راه کارگر» را مدافعان خجوی جمهوری اسلامی خاتمی و «بدیخت و ترجم انتگن» می نامد! نیروهای مستقل دیگری که فعالانه در این مبارزه اعتراضی شرکت داشتند و خواهان برخورد سیاسی جدی و حد نگذاری در اکسیون برای جلب نظر مردم آلمان به حقانیت مبارزه شان بودند، با تاخ کامی محل را ترک می کنند و نهایش به پایان می رسد !!

* * *

۱ - برای کسی که دچار ساده لوحی نیووده و مبارزه ای طبقاتی را تحد جنگ طبقاتی، انقلاب و سرنگونی یک طبقه به دست طبقه دیگر قبول داشته و با تلاش امپریالیست ها برای بسط هرچه بیشتر حیطه نفوذ خویش به خوبی آشنا هستند، واضح است که امپریالیسم آلمان و کلاً اتحادیه اروپا در صدد تحکیم نفوذ خود در ایران هستند. در این راستا، با امپریالیسم آمریکا و اعوان و انصار آن که از هر فرصتی برای پدست آوردن نفوذ گذشته شان در ایران پیروزی می گیرند، رقابت فشرده ای دارند. این روند با پیچ و خمها و بالا و پائین رفتین ها ادامه دارد و رژیم های ایران، اروپا و آمریکا و غیره در این بازی پنهانی سیاسی، مشغول پندبازی هستند.

۲ - جمهوری اسلامی در انتظار مردم اروپا و آمریکا و ایرانیان خارج و داخل کشور، رژیعی است اختناق گر، سرکوب گر، تروریست است، عقب افتاده و نیمه وحشی، که حتا به «خودی»ها رحم نمی کند و حجاریانها و امثال هم نیز در آتش خشم حاکمین می سوزند! اما جناب «لیبریال» رژیم چند سالی است که با قیافه «متمن» بودن پا به میدان گذاشته و شدیدآمیل است تا برای تحکیم هرچه بیشتر موقعیت خود را حاکمیت چهره ای متعادل و قابل قبولی از خود ارائه دهد. رژیم های غربی از این سیاست لیبریالها استقبال می کنند و در این راستا با آنها هم کاری می نمایند. این سیاست باعث رشد رژیم در طیف اپوزیسیون خارج از کشور شده است.

۳ - اما مشکل اصلی در این پندبازی، مقتاude ساختن افکار عمومی کشورهای غربی و ایرانیان خارج از کشور است. با توجه به این کشور ایرانی از حاکمیت ولنا و دار به قیوں کردن هم کاری با آنها، توسط ایرانیان خارج از کشور است. با توجه به این که اپوزیسیون خارج از کشور ایرانی در سطح وسیعی غیر محدود و تکه باره است و در حالتی دقایق قرار دارد، زمینه برای چنین برنامه ای مناسب است.

۴ - در چنین وضعی و با در نظر گرفتن جو نیمه دمکراتیک خارج از کشور، ضروری بود که اپوزیسیون چپ و مترقب ایرانی حرکت مشترکی را در این مورد سازمان می داد، اجلاس گفت و گوی افراد وابسته به حاکمین را تحریم می کرد و کنفرانسی با شرکت گلهای نیروهای مترقبی، چپ و دمکراتیک ایرانی و خارجی ترتیب می داد و وسیع ترین کارزار تبلیغاتی را علیه اجلاس برلین، برپا می نمود.

- ۵- کنندگانیون محصلین و دانشجویان ایرانی چند دهه پیش از این و در طی حیات مبارزاتی خود، به آن درجه از درک سیاسی رسیده بود که علارغم وجود نظرات متفاوت و تشکل‌های مختلف سیاسی، کارزار مشترک علیه رژیم استبدادی شاهنشاهی را در وسیع ترین شکل ممکن، سازمان می‌داد، اما امروز فرقه‌گرانی سازمان‌های مدعی کمونیسم، باعث شده تا تاکتیک‌ها و عملکردگاهی آثارشیستی و پاسیویستی ولذا غیر توده‌ای نمود روز شوند!
- ۶- در جوامع طبقاتی، درین خاکبین و محکومین، در هیچ شرایطی به جز در موقعیت توازن قوا، دیدگاه «آزادی بدون قید و شرط بیان» وجود نداشته و «یا مسر خصم را بکوییم به سینگ - یا اوسما بهدار سازد آونگ»! در عمل به اجراء آنده و تازمانی که جوامع طبقاتی از بین نرقه باشد، این شعار به قوت خود باقی خواهد ماند. آزادی رابطه‌ی تنگاتنگی با قدرت مادی طرفین دعوا دارد.
- ۷- پناهاین دل‌سوزی برای آزادی بیان سرکوب‌گران، توسط «راه کارگر» دفاع از دمکراسی نیست و لذا موضعی تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه است. مقابلاً، دیدگاه «جنپش به خاطر جنبش» رهبری «حزب کمونیست کارگری»، بدون تلاش برای ایجاد وسیع ترین وحدت ممکن در مبارزه، بدون درنظر گرفتن هدف جنبش که همان روشنگری توده‌های آلمانی و ایرانی است، در مورد عدم حقانیت رژیم و نه صرفاً برهمن زدن جلسه، عملکردی آثارشیستی است که به برملا شدن همه‌جانبه‌تر چهره‌ی منثور جمهوری اسلامی کمک نمی‌کند.
- ۸- اما، روپرتویست‌های راست و «چپ» در عین داشتن اختلاف در شیوه‌ی عملکرد، در یکجا به هم می‌رسند که همانا مانع از عملی شدن کارزار مبارزاتی مشترک علیه رژیم است. هرگدام از اینان پرچم ویژه پاره پاره خود را، در آشفته‌تر ساختن عرصه‌ی مبارزه دارند! کمونیسم با این دیدگاه‌ها و شیوه‌های کاریگانه است، هدف کمونیسم آگاه ساختن توده‌های ساخت تا بلند شده و امررهایی خود را به دست گیرند و نه افتادن در تاکتیک‌های آثارشیستی و یا پاسیویستی و در جهت توجیه منافع گروهی، خودنمایی و ماندن در کنار جریان پرشتاب مبارزه‌ی طبقاتی!
- آیا وقت آن رسیده است که گروه گرانی به زبانه‌دانی تاریخ فرستاده شده و یا سازمان‌دهی مشترک مبارزات ضد رژیمی با تدارک و شرکت کلیه‌ی نیروهای مترقبی و انتقامی، این مبارزات هرچه شکوفاتر برگزار گردد؟

مرگ پر رژیم جمهوری اسلامی!

رنده باد وحدت انقلابی کمونیست‌ها، پیش‌قرالان راستین مبارزات طبقه کارگرو توده‌های وسیع زحمت‌گشان!

۱۰ آوریل -۴۰۰۰ - حزب رنجبران ایران - واحد آلمان

مروری بر چند و چون، نتایج و آموزش‌های کنفرانس برلین

نشست ۷ تا ۹ آوریل خانه فرهنگ‌های جهان از نقطه نظرهای مختلف دارای اهمیت است. مقدم پرده‌های نکات این نکته است که برای اولین بار پس از دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، نمایندگان رسمی حکومتی (سفری جمهوری اسلامی در آلمان) همراه حزب سبزها و نمایندگان وزارت امور خارجه آلمان (نگاه کنید به سند شماره ۱ و لیست سخنرانان سند شماره ۲) بهمن دو نهاد فرهنگی سینما و سینماواری علی‌رغم رسانه‌های آلمان به ایران، سفر توامس هارتمان از نهاد هاینریش بل و ایستاده بزیرگی در تاریخ ۱۶ آوریل در برلین و پیش از سفر خاتمه رئیس جمهوری اسلامی ایران به آلمان زمان بتدی شده بود. به عبارت دیگر بتا به فاکت‌ها و تعامل‌های روش نشست خانه فرهنگ‌های جهان، نه یک جلسه بحث و گفتگو و تبادل نظر برای راهنمایی‌های بعدی و آشنایی به نظرهای و برداشت‌های شرکت کنندگان این نشست، بلکه جزوی از زمینه سازی نهایی برای گسترش روابط آلمان و اتحاد اروپا با جمهوری اسلامی و پشتیبانی صریح از جهانی که به ستاد جنبش دوم خرد موسوم شده بود. انتخاب سخنران ایرانی این نشست با ظرافتی خاص صورت گرفته بود، در میان آنان عنصری مترقبه و آزادخواه و لایک تظییر مهرانگیز کار، چنگیز پهلوان، شهلا لاھیجی، کاظم کردوانی (رجوع شود مثلاً به اظهار نظرهای اینان در نشست فوق) در کنار طرفداران جمهوری اسلامی، «جمهوری اسلامی خوب» مانند جلالی پور و گنجی که تا دیروز چند افراطگرایان سرکوبگر جمهوری اسلامی بودند و امروز در نظرات خود جدید نظر کرده و طرفدار «رفمیسم اسلامی» هستند، قرار داده شده بودند. ترکیب شرکت کنندگان آلمانی نیز جز این نبود. هایرن پیلفلدت یکی از هموطنیست‌های طرفدار سریع حقوق بشر همراه نماینده وزارت امور خارجه آلمان (در بروشور بودن نام و باعلام NN مشخص شده است) قرار گرفته بود. در مجموعه ترکیب با شرکت محمود دولت آبادی، منیر واثی پور، محمد علی سپانلو، یعنوان شخصیت‌های ادبی ایران، سعی شده بود که رابطه این نشست سیاسی با خانه فرهنگ‌های جهان و مؤسسه هاینریش بل باظاهر حفظ شود. با همه‌ی این کوشش‌ها اما مدارک و استاد منتشر شده از طرف آن دو مؤسسه فرهنگی که نمایانگر دخالت و مسئولیت مستقیم حکومت‌های ایران و آلمان در این نشست بود، حذف نمایندگان نظری روشنکران و صاحب‌نظران و سازمان‌های حقوق پسری، دمکراتیک و سیاسی خارج کشور و... طبیعتاً عنصر نازاری و بحران را در خود داشت، به خاطر گونه و ترکیب نشست، شایه تظییم سیاست داخلی و خارجی برای ایران تقویت می‌شد و قابل پیش‌بینی بود که صدها هزار آواره، پناهنده، عناصر سیاسی و فرهنگی خارج کشور که علت آوارگی خود را به درستی جمهوری اسلامی می‌دانند در مقابله چنین طرحی بی‌تفاوت نهادند و از طرق مختلف به آن اعتراض کنند.

نتیجه‌ی این سازماندهی به کجفر فنه این بود که روش‌نگران، احزاب و تشکل‌های سیاسی، کانون‌ها و نهادهای دمکراتیک خارج کشور موارد اعتراض خود را کتبی (رجوع کنید به استاد شماره‌های ۳ تا ۱۷) و شفاهان (در مصاحبه‌های مختلف) اعلام دارند. نکات کم و بیش مشترک کلیه این بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و موضع گیری‌ها عبارتند از:

- ۱- اعتراض به برنامه تقویت جمهوری اسلامی.
- ۲- جلوه دادن یک جلسه استراتژیک سیاسی یعنوان یک جلسه فرهنگی و تبادل نظر.
- ۳- حذف روشنکران و ایوزیسیون مخالف در خارج کشور و گرفتن امکان از اینان برای طرح بحث‌هایی که بی‌شک نمی‌تواند به دلایل و شرایط استبدادی در ایران از طرف آزادی خواه‌ترین دعوت شدگان مطرح شود.
- ۴- سازماندهی یک سلسله اعتراض‌های دمکراتیک که این نشست برای انکار در افکار عمومی.

از همه‌ی مدارک و اسناد فوق برمی‌آید که این نیروها و صاحب‌نظران و روشنکران، نه در فکر اخلال و تخریب نشست فوق، بلکه در پی اعتراض، روشنگری و نقد اساسی هستند، هرچند که بیان و نظر و تحلیل و زیان مشترک ندارند.

پیش از بارهای از نتیجه‌گیری‌ها پیشتر است نگاهی به روزهای تشکیل این نشست بیاندازیم. این نگاه شامل همه‌ی نکات اتفاق افتاده در این روزها نیست (گاه‌شمار این روزها در نوشته یکی از ناظرین مفترض آمده است، نگاه کنید به گزارش ضمیمه) و ذکر آن نکاتی است که باعث شده‌اند نشست مزبور آن گونه آغاز شود و ادامه یابد که شد. در بیرون از ساختمان خانه فرهنگ‌های جهان دو کمپ متغیر قادر زده بودند و شعارهای خود را اعلام می‌دانستند. یکی تجمع حزب کمونیست کارگری بود و دیگری تجمع مشترک کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و اتحاد چپ سوسیالیستی که مورد پشتیبانی ۴۴ نهاد و سازمان سیاسی و دمکراتیک بود (نگاه کنید به سند شماره ۵) در راهرو خانه فرهنگ‌ها نیز کانون پناهندگان سیاسی در برلن، سربداران و سرای اندیشه و ... با میز کتاب، پخش اعلامیه و پرده شعارهایی نظر و اعتراض خود را اعلام می‌دانستند. تا اینجا ظاهرًا شرایط دلالت بر جویی دمکراتیک داشت. در درون سالن سخنرانی اما بنا به نکاتی که گفته شد، وضع دیگری حکم‌فرما بود. کمپودها، برنامه‌ها و اشتباهات اساسی سازماندهی نشست، به دقت در مجموعه سالن و مخفبندی‌های شنوندگان و شرکت کنندگان و تماشچیان انکار می‌شانه بود. یک «جبهه»، «جبهه» تشویق و تصدیق کنندگان و هورا

کشان بود و در یک «جبهه»، منتقدین و معتبرضیین، هیچ یک از این دو «جبهه» درون سالن یکدست نبود.

«جبهه» تشویق و تصدیق کنندگان و هوراکشان تشکیل می شد از طیفی که نیروها و افراد مختلفی را در بر می گرفت، افرادی که به دلایل مختلف شخصی و شغلی به ایران رفت و آمد دارند و با تصدیق نوعی جمهوری اسلامی پراین باورند که می توانند تسپیلاتی در این زمینه به چنگ آورند، اعضاء تشکل هایی که به این نتیجه رسیده اند که باید از دوم خردادی ها، پشتیبانی و یا دنباله روی کرد و تنها راه حل جامعه، **فعلاً یک «جمهوری اسلامی خوب»** است. خسته گانی که پس از سال ها دیگر تحمل کشیدن بار اپوزیسیون را ندانند، باری به هرجیه ها که در همه جوامع و جنبش ها وجود دارند و چپ و راست و میانه نمی شناسند، شهروندان ساده ای که دست بد روزگار از آستین جمهوری اسلامی بدرآمده و آنان را به خارج پرتاب کرده و دلیل این آوارگی را هنوز که هنوز است نمی دانند و می خواهند بی مشکل و در در خود را برها ند و بیرگردند و طرفدار هر فرقه یا هر گشايش کاري هستند، طرفداران جمهوری اسلامی که جمهوری این چنانی در واقع با فرهنگ و ضمیر و ایدئولوژي انان همخوانی دارد و ...

اکثریت اینان در همان ایام به دسته هوراکش و زنده باد گوی دم به دم بدل شدند و مثلاً آمدن چند تن از سخنرانان، دسته جمعی از جای برخاستند و با کف زدن ها و هورا کشیدن های متعدد، چون سالن کنسرت ها در صدد تحریک «جبهه» مقابل خود برآمدند.

«جبهه» مقابل نیز طیفی را در بر می گرفت، تشکل ها و افرادی از اپوزیسیون که با دلایل و تحلیل های متفاوت علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کنند و جمهوری اسلامی نمی خواهند و با گرایش های دمکراتیک یا سارکوڈ گرا و آتوپرست مبارزه خود را سازمان می دهند، زنان و مردانی که به دلیل از دست دادن عزیزان خود در جمهوری اسلامی همه جا خشم و نفرت دامنه دار خود را از این رژیم شدیداً اعلام می کنند، گروه ها و افرادی که باز با دلایل متفاوت در صدد نشان دادن و مطرح کردن خود از هر راه و به هر شیوه ای هستند، پناهجویانی که می خواهند با شرکت هرچه نهایی تر و مشهودتر در اکسپو ها، حق پناهندگی خود را بگیرند و ... که بخشی از اینان تابع احساسات قابل فیلم یا مشی ایدئولوژیک و یا با دلایل شخصی به فریاد کشان دم به دم بدل شدند و به نارامی جسم می زدند.

به عبارت دیگر تظاهرات و ضد تظاهرات بیرون از سالن سخنرانی، به درون سالن کشیده شد و باز طبیعی است که هیچ سالن سخنرانی غرفت و توئانی تحمل یک «تظاهرات و ضد تظاهرات» را ندارد و منفجر خواهد شد. چنین شد که مثلاً وقتی شهلا لاهیجی سخنرانی درست ادا می کند، یا مهرانگیز کار آزادی خواهانه مسائل را مورد بحث قرار می دهد و یا دولت آبادی (صرف نظر از لحن و تکیه گفته هایش) در پی آرام کردن جلسه است، کف زدن ها و فریادها موافق هم ادامه می یابد (جوع گنید به فیلم های موجود این صحنه ها) و یا وقتی که اداره کنندگان جلسه پیشنهاد یک دقیقه سکوت را می پذیرند و با بهترین بیان آن را به آلمانی بیان می کنند و همه برمی خیزند، باز چند تن فریادکش بدون توجه به فرهنگ سیاسی فقط به دلیل این که اشکوری از جا برخاسته است، سکوت مورد پیشنهاد خود را می شکند و نمی دانند یا نمی خواهند دلایل که برخاستن فقط ادای احترام است و نه یک دستور نظامی، و کاملاً داوطبلانه است، چنین رفتار غیر منطبقه ای توجیه بی رأی «جبهه» مقابله بود، این و دیگر رفتارهای ضد دمکراتیک هوجی شدن باید تاثیرگذاری مخرب مقابله «تظاهرات و ضد تظاهرات» سالنی و بهم خوردن جلسه در روز دوم، اما بهم خوردن جلسه چه پیامد هایی داشت؟

در شرایطی که تشریف فرشده ای از این کردیم و یا توجه به عواملی که بر شمردمی، نیروها، سازمان ها و عناصر آزادی خواه، ترقی خواه، چپ و سکولار توانستند جلوی تشنیج مدام و بهم خوردن جلسه را بگیرند و چه بسا بر اساس عوامل فوق تحت تاثیر جو احساساتی قرار گرفتند و در پاره ای موارد با تشنیج اقربان «رأست» و «چپ» هم زیان شدند، زمانی که فقط به خاطر خواست یک دقیقه سکوت پلیس و حشیانه بر سر پیشنهاد دهنده می ایزد^(*) و او چند تن دیگر را که کوش می شتابند مضروب می کند، وقتی که معتبرضیین با اعتراض به حق خود می توانند پیشنهاد سخن گفتن نیروهای سیاسی اپوزیسیون خارج کشور را به اداره کنندگان جلسه بقولانند خود معتبرضیین مورد اعتراض قرار می گیرند، یا آن زمان که نهایش به حق سرکوب و حشیانه زنان در ایران توسط هنرمندی نیمه برهنه و با روسی در سالن به نهایش گذاشته^(**) و موجب فواران احساسات از هر طرف می شود، باید دریافت که این نهشت با آن تدارک و زمینه قبلي و ترکیب

(*) این تشنیج اقربانی توسط اداره کنندگان جلسه، باعث شد او بیشترین نهود پوپولیسم عقب مانده، طرفداران را دعوت به قیام کرد تا حمله پلیس به قدر معتبرضیین را توجیه کند و این عامل تشنیج اقربانی به حیثیت ملی، خود و ایرانیان تائید آنداز - روزنامه نگار، از

(**) گانی که اعتراض این هشتمد را تجاوز به «حیثیت ملی، خود و ایرانیان تائید آنداز (از جمله علیرضا نوری زاده - روزنامه نگار)، از عقب افتاده ترنی احسان های سرکوبگر و سرکوب شده طرفداری می کنند، اینان بدون توجه به تنش پویش، پوشش جمهوری اسلامی و نش سرکوبگر آن از ارزش سمواویک مقابله با آن خواهند، هر چند عربان شدن زنان پس پیوند خورده است، مشافا این که درین پالوس یا بد گفت مردی که بد خود را عربان کرد، برای شناس دادن سوختگی های شکنجه و زخم های شلاق بدروی بدنت بود و نه نهایش عربانی، تازه قربانیان تجاوز «حیثیتی» مساله عربانی یک مرد وا ذکر نمی کنند و نیمه عربانی زن برایشان فاجعه آفرین است، این خود زمینه تکری اینان را به روشنی بر ملا می کند.

سخنگویان و با گذشت بیش از ۲۰ سال سرکوب ضد انسانی جمهوری اسلامی و ادامه روزمره آن، با چگونگی دید، برداشت و روش‌های «اپوزیسیون» و «نیمه اپوزیسیون» و طرفداران «جمهوری اسلامی خوب»، قابلیت ادامه طبیعی و آرام ندارد. همچیک از عوامل فوق نباید موجب توجیهی باشد برای این بحث که آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه چه ارزش والایی دارد و پسروت طرح نظرات نیروها و عناصر و صاحب‌نظران آزادی خواه، مترقبی و سکولار داخل کشور در مقابل جناح موسم به دوم خرداد (در انتشار عمومی جهان) چقدر برای همگان دارای اهمیت بود. نتیجه این شد که افرادی آزاد و سکولار مانند میرانگیز کار، چنگیز پهلوان، کاظم کردوانی و شیلا لاهیجی توانستند تفاوت‌های انسانی نظری و سیاسی خود را با سخنرانان دیگر نظیر جلالی پور و گنجی و شهلا شرکت و جمیله کدیور بر جسته کنند و نشان دهند که باید حساب کسانی را که «ناجیان» خود نماینده‌ی جمهوری اسلامی هستند و مورد پشتیبانی قدرت‌های جهانی، از نیروها و افرادی که جمهوری اسلامی نمی‌خواهند و آلترا ناتیو دیگری را عرضه می‌کنند جدا کرد، و باز نتیجه این شد که اپوزیسیون چپ، آزادی خواه و سکولار خارج کشور امکان نیافت نظر خود را مثلاً در زمینه «جمهوری اسلامی خوب» و عدم امکان آن، امکان‌های کودتا و سرکوب وسیع در ایران، نقد اساسی به هر نوع حکومت مذهبی و ایدئولوژیک، ضرورت پاسداری جهانی از آزادی‌های دمکراتیک و ... را طرح کرده و از طریق وسایل ارتباط جمعی در ایران و جهان منعکس کند. نتیجه دیگر این که بخشی از آن اپوزیسیون نیست، پهلوان اپوزیسیون کشانده شد و بهطریزی وارونه در گیری بر سر آزادی عقیده و بیان چیست و روش پاسداری از آن کدام است؟ (بحثی که سال‌ها در اپوزیسیون چپ و آزادی خواه رواج داشت و به نتیجه رسیده بود) رواج یافت و به اپوزیسیون چپ و آزادی خواه تحمیل شد. و سرکوبگران دیروز و طرفداران امروز «democrasy اسلامی» بر مسند نسبت خود-برگزیده‌ی قضاوت در مورد نیروهای چپ آزادی خواه جلوس کردند. اینها و پاره‌ای دیگر از مسائل میم از تابیغ بهم خوردن روز دوم نشست مزبور بود.

خلاصه این که تجربه نشست برلین نشان داد که در زمینه برخورد عقیده و آراء پاسداری از آزادی‌های سیاسی دمکراتیک و اصل دمکراتیک اعتراض و مقاومت هنوز باید به بحث‌های صریح و عمیقی در این زمینه پرداخت. آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده حکم می‌کند که نیروهای چپ و آزادی خواه در گفتگو و دیالوگ سیاسی از حق آزاد ایران نظر حرثاً عقب مانده‌ترین و ارجاعی‌ترین مخالفین خود دفاع کرده و حق اعتراض را به خشن‌ترین مخالفان خود تحمیل کند. روش‌های انتخابی ما هم‌آهنگ و در خور هدف‌های دمکراتیک است، ما روش‌های خشونت‌آمیز را، برای رسیدن به هدف‌های دمکراتیک تطبییر نمی‌کنیم، درست از این‌رو ما مخالف بهم خوردن جلسات و جلسه برلین بودیم. اگر قرار پاشد مقصود و مسئولی برای پیش آمد های برلین بنامیم، باید بگوییم که جمهوری اسلامی، نارسا و غیر دمکراتیک در سالن مجموعاً مقصود و مسئول آن پیش آمد های بودند. بحث در همه‌ی این زمینه‌ها ادامه دارد.